

# آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۳۲ مرداد ۱۳۹۶

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

## کودتای ۲۸ مرداد و اهداف پیش روی آن



طبق سندی که وزارت خارجه آمریکا به تازگی منتشر کرده است آیت الله بهبهانی از نقشه کودتای ۲۸ مرداد آگاهی داشت همه معتقدند که اگر کمک‌ها، راهنمایی‌ها و حمایت‌های مالی آمریکا و تشویق شاه برای ایستادگی نبود، نقشه سرنگونی مصدق هرگز موفق نمی‌شد.

۶۴ سال از کودتای خونین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌گذرد. کودتایی که ایران را از قافله تمدن و پیشرفت جدا کرد و خفقان و دیکتاتوری را برای ۲۵ سال در کشور حاکم کرد. پس از جنگ جهانی دوم و پیروزی بر فاشیسم بسیاری از کشورهای جهان راه ترقی و دموکراسی را پیش گرفتند.

ادامه درص ۳

## ریشه بسیاری از مشکلات کشور در اقتصاد رفاقتی است

سه گروه قوه مجریه، مقننه و بخش خصوصی با یکدیگر در تعامل دائمی و حافظ منافع این سه گروه هستند و به این ترتیب منافع عموم مردم قربانی می‌شود. این مجموعه عنوان اقتصاد رفاقتی دارد و مادامی که به این مسئله پاسخ داده نشود، بسیاری از مسائل شوم مملکت ما برطرف نمی‌شود.

به گزارش ایسنا، حسین راغفر در نشست بررسی برنامه‌های وزاری پیشنهادی دولت دوازدهم اظهار کرد: بررسی آنچه در قالب برنامه از سوی وزرای پیشنهادی ارائه شده نشان می‌دهد که اغلب آنها به گرفتاریهای اساسی کشور توجه نداشتند و برنامه‌های آنها مجموعه حرفهای تکراری و کپی برنامه‌های وزرای قبل است. ما اکنون گرفتارهای اساسی داریم که این وزرا به آن‌ها پاسخ نداده‌اند.

ادامه درص ۲

در سال ۹۵ در تهران روزانه ۱۶ ص

۷۵ درصد خانواده‌های ایرانی ۱۶ ص

مشروطیت و تراژدی قدرت ۱۷ ص

نقش زنان در انقلاب مشروطیت ۱۹ ص

یاس لی ساوالان! ۲۴ ص

## انقلاب مشروطیت تحولی تاریخ ساز در جنبش آزادیخواهی مردم ایران

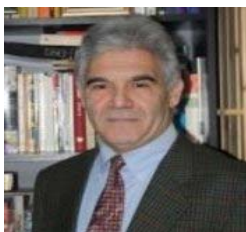


صد و یازده سال از انقلاب مشروطیت می‌گذرد. چیرگی بر عقب ماندگی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، از اهداف انقلاب مشروطه بود. نیروهای انقلابی، روشنفکران و ملیون تجدد خواه و حتی برخی از روحانیون هر یک به سبک و سیاق خود خواهان تحول، پیشرفت و ترقی کشور بودند. و

هم صدا برای از میان بردن استبداد و برقراری عدالت می‌کوشیدند. تلاش آنها با حمایت گسترده توده‌های مردم نهضت را به پیش برد و شاه را به قبول مشروطه وادار کرد.

ادامه درص ۱۰

## فرجام رژیم با موج پر خروش سیل بیکاران دکتر محمد حسین یحیایی



ادامه درص ۱۳

رژیم ولایت از سال‌های نخست انقلاب با اقتصاد، تنوری‌های نوین اقتصادی و کاربرد آن در جهت رشد و توسعه کشور سر ناسازگاری داشت و در پیشبرد سیاست اقتصادی در همه حوزه‌های آن (بانکداری، سیاست پولی و مالی، رشد و توسعه اقتصادی، تجارت خارجی و ...)

**جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!**

ریشه بسیاری از مشکلات کشور...

راغفر ادامه داد: در برنامه های پیشنهادی اشاره ای به اصلاحات ساختاری و نهادی نشده است. اکنون اقتصاد رفاقتی ما منابع بسیاری را در قالب یارانه به بخش خصوصی تزریق می کند و به دنبال آن قیمت نهاده های انرژی مردم افزایش می یابد. در حالی که در هیچ کدام از این گزارشها به این فسادها و رابطه بخش خصوصی و دولت و گروه های حامی این مناسبات اشاره نشده است.

این اقتصاددان ادامه داد: امروز بزرگترین قوت دولت یازدهم فروش نفت است. باید دید که آیا این توفیق یا هنرمندی وزیر نفت بوده است؟ وزیر نفت بعد انقلاب، یک سوم دوران بعد انقلاب وزیر نفت بوده و ما متأسفانه شاهد آن هستیم که کره جنوبی قرار داد ۱,۶ میلیارد یورویی برای استخراج منابع نفتی ما می بندد، حال سوال این است که چه کسی باید پاسخگو باشد که بعد از ۱۰۰ سال تولید نفت، هنوز نیروهای کشور قادر نیستند مقدماتی ترین امور را در حیطه استخراج نفت به عهده گیرند.

راغفر ادامه داد: نکته قابل توجه دیگر این است که هیچ توجهی به صنایع کوچک و متوسط و پائین دستی که صنایع خالق ارزش افزوده و ایجاد اشتغال هستند نشده است. همچنین هیچ اشاره ای به معضلات ساختاری کشور هم نشده است. امروز از افزایش بر مالیات تولید هم حرف می زنند، در حالی که در شرایط اقتصادی ایران فقط بنگاه های بزرگ پتروشیمی، فولاد و سیمان سود می برند و مالیاتی هم نمی دهند.

این اقتصاددان بیان کرد: متأسفانه در این برنامه ها هیچ اشاره ای به مشکلات نظام بانکی و شفافیت در بازار کالا نشده است. همچنین فساد گسترده در فرایندهای گمرکی به صورت بداظهاری و کم اظهاری خود را نشان می دهد. اکنون در مجموع مغایرت های گمرکی با چین و امارات نشان می دهد که قاچاق در ایران به صورت عمده رخ می دهد.

وی ادامه داد: موضوع حیاتی دیگر این است که امروز ۲,۵ میلیون واحد مسکونی خالی وجود دارد ولی مردم قادر به خرید نیستند و توضیحی در این باره که دولت چگونه می خواهد مسئله مسکن را حل کند وجود ندارد؛ امروز مسئله مسکن سیاسی شده است و مسکن از سبب هزینه خانوار کم

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه الزهرا ادامه داد: اکنون سه گروه قوه مجریه، مقننه و بخش خصوصی با یکدیگر در تعامل دائمی و حافظ منافع این سه گروه هستند و به این ترتیب منافع عموم مردم قربانی می شود. این مجموعه عنوان اقتصاد رفاقتی دارد و مادامی که به این مسئله پاسخ داده نشود، بسیاری از مسائل شوم مملکت ما برطرف نمی شود.

وی ادامه داد: اکنون بسیاری از مشکلات کشور به خاطر این ائتلاف نامیمون است. مسئله کارکردهای سه گانه اقتصاد رفاقتی این است که منابع بانکها به دوستان و آشنایان وام داده می شود که منشاء فقر گسترده در کشور و منشاء نا آرامی ها و نا امنی در جامعه است. یکی از مصادیق اصلی ائتلاف نامیمون این است که افرادی از بخش خصوصی در بخش دولتی حضور دارند. در دولت یازدهم بیش از هر زمانی این مسئله خود را نشان داد و در دولت دوازدهم تکرار می شود.

راغفر ادامه داد: می بینیم که متأسفانه مجلس این افراد را به عنوان امین مردم در بخش عمومی تائید می کند، در حالی که در دنیای صنعتی یکی از جلوه های فساد وجود افرادی از بخش خصوصی است که در بخش دولتی فعالیت می کنند. متأسفانه می بینید که دولت گاهی از این موضوع به عنوان توفیق یاد می کند.

راغفر تأکید کرد: هیچ یک از برنامه های وزرا به اصلی ترین مشکلات کشور کوچکترین عنایتی نداشتند. یکی از موانع بحث سلطه سرمایه های تجاری بر سیاستگذاری های کشور است. به این ترتیب صاحبان سرمایه سلطه دارند بر اینکه نفت چگونه به فروش برسد و توزیع شود و هیچ پاسخی به چرایی این شیوه توزیع و بازتوزیع وجود ندارد؟ از سوی دیگر همگی سهم خلاقیت و سخت کوشی را در افزایش درآمد ملی در نظر نگرفته اند.

وی به وابستگی کشور به درآمدهای نفتی نیز اشاره و بیان کرد: در چنین شرایطی اقتصاد ما و گلوگاه آن در دست کنگره آمریکا است. تا زمانی که به شدت وابستگی به نفت داریم، در معرض تهدید قدرتهای خارجی هستیم. با این وجود می بینیم که در هیچ کدام از برنامه ها اشاره ای به این مشکلات نشده است

وزیر اقتصاد و د ارایی بود. او بعضا حرف‌هایی می زد که به مذاق بسیاری خوش نمی‌آمد.

او ادامه داد: تجربه کار وزیر اقتصاد دولت یازدهم یکی از مواردی است که نشان می دهد که لزوما این طور نیست که اگر کسی صادقانه کار کند و در پستی ورود کند بتواند کارها را آنگونه شایسته است پیش ببرد. به این ترتیب ما معتقدیم اداره امور از اداره شخص خارج و به ساختارها مربوط است. این اقتصاد دان در بخشی از سخنانش با بیان اینکه تغییر وزیر اقتصاد به موارد غیر اقتصادی مربوط بود بیان کرد: اگر این موارد لحاظ می شد قاعدتا وی باید می‌ماند.

او در خصوص وزیر پیشنهادی امور اقتصادی در دولت دوازدهم گفت: به هر حال وی اقتصاد دان نیست و البته با توجه به برنامه های ارائه شده از سوی وی و سایر تیم اقتصادی دولت به نظر ما تحول چشم گیری در انتظار نخواهد بود.

درآمد خارج شده است، در حالی که در این برنامه ها تدبیری برای آن اندیشیده نشده است.

راغر درباره زمره های افزایش تورم بیان کرد: تورم همیشه برنده و بازنده دارد؛ در ایران هم برنده‌های خود را دارد، به برنامه‌هایی نیاز داریم که تورم را کنترل کند و رشد ایجاد کند. تورم در ایران ریشه‌هایی دارد که یکی از که ریشه‌هایش در نظام بانکی است، از نوآوری و خلاقیت حاصل شده است. امروزه می‌بینیم عده ای دنبال افزایش قیمت ارز هستند و مرتبا هم می‌بینیم در رسانه های خود مطرح می‌کنند و افکار عمومی را آماده می‌کنند که افزایش قیمت ارز رخ دهد. چرا که از قبل این افزایش قیمت ارز و تورمی که به دنبال آن حاصل می‌شود، منافی دارند.

وی درباره وزیر پیشنهادی امور اقتصادی و دارایی دولت دوازدهم گفت: اگر قرار باشد به تیم اقتصادی دولت یازدهم امتیاز دهیم قاعدتا یکی از کسانی که صادقانه تلاش می‌کرد

#### کودتای ۲۸ مرداد....

همدستان داخلی آنها سرکوب جنبش مترقی و آزادیخواهانه کارگران و زحمتکشان ایران بوده است. بدون سرکوب خونین حزب توده ایران، شورای متحده مرکزی و روشنفکران عدالت خواه کودتاگران نمی توانستند به اهداف ضد انسانی خود نائل آیند. این مهم اگر تا چندی بیش یک ادعا و یا تحلیل بود، امروز با رو شدن برخی از اسناد کودتا به یک واقعیت انکار ناپذیر بدل شده است. کافی است به یکی از اسناد منتشر شده وزارت خارجه آمریکا که توسط شیدا قماشچی ترجمه و درسایت تاریخ ایرانی منتشر شده است نگاه بیندازیم تا این حقیقت را بیش از پیش درک کنیم .

تاریخ ایرانی: یکی از اسنادی که وزارت خارجه ایالات متحده اخیرا منتشر کرده، گزارش بریتانیا از روند رویدادهای منتهی به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که منبع آن مشخص نیست اما حدس زده می شود در وزارت خارجه بریتانیا یا سفارت انگلیس در واشنگتن تهیه شده باشد. مطابق این گزارش فقط فرماندهان لشکر، رئیس پلیس و آیت الله بهبهانی - مسئول سازماندهی تظاهرات مردمی - از نقشه روز کودتا آگاهی داشتند و حزب توده کوچکترین شانس نداشت که از این نقشه اطلاع بیابد.

۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می گذرد. کودتایی که ایران را از قافله تمدن و پیشرفت جدا کرد و خفقان و دیکتاتوری را برای ۲۵ سال در کشور حاکم کرد. پس از جنگ جهانی دوم و پیروزی بر فاشیسم بسیاری از کشورهای جهان راه ترقی و دمکراسی را پیش گرفتند. ایران بیش از هر کشوردیگری استحقاق آن را داشت تا بر عقب ماندگی های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که توسط بیگانگان، بوسيله حاکمان بی کفایت و دست نشانده بر او تحمیل شده بود، بیرون آید و راه دمکراسی و پیشرفت راه پیش گیرد. اما شرایط سوق الجیشی (همسایگی با اتحاد شوروی) و نفت و انواع معادن مواد خام و ... چیزی نبود که امپریالیست ها بویژه انگلیس و آمریکا از آن چشم پوشی کنند. دست اندازی به این ثروت عظیم می باست با هر جنایتی اتفاق می افتاد. آنها با کمک ارتجاع داخلی به هروسيله ای متوسل شدند تا جنبش آزادیخواهانه مردم ایران را سرکوب کنند. کودتا گرچه به ظاهر دولت ملی مصدق و جنبش ملی شدن نفت را هدف قرار داده بود، اما بسیار عمیقتر بود. طی این سال ها برخی از اسناد طبقه بندی شده کودتا توسط سازمان سیا و ام آی شش انگلیس، از طبقه بندی خارج شده اند. طبق همین اسناد هدف اصلی کودتاگران و

\*\*\*



کودتای ۲۸ مرداد....

گزارش بریتانیا

فوق محرمانه

۲ سپتامبر ۱۹۵۳ (۱۱ شهریور ۱۳۳۲)

بازبینی سیاسی بحران های اخیر

مرحله اول

۶. در روز ۲۷ جولای گزارش شد که سفر شاهدخت اشرف به تهران به فعالیت های پشت پرده مربوط است.

۷. اظهارات آقای دالس در نشست مطبوعاتی اش در روز ۲۹ جولای و ابراز نگرانی از رشد فعالیت های کمونیستی در ایران، به نوعی اخطار به مصدق شمرده شد تا از نزدیکی با توده ای ها و شوروی بپرهیزد.

۸. برخی از شخصیت هایی که با شاه ارتباط نزدیک داشتند در روز ۳ آگوست گزارش داده اند که شاه اعلام کرده به زودی تغییرات اساسی شکل خواهد گرفت. عقیده بر این بود که ژنرال شوارتسکوف مستشار اسبق آمریکایی در ژاندارمری ایران، به حضور شاه رفته و در این دیدار جزئیات کامل کودتای نظامی را در اختیار شاه قرار داده است.

۹. محافل دولتی پس از اظهارات روز ۴ آگوست آیزنهاور بیم آن داشتند که او دست به هر اقدامی بزند تا از قرارگیری ایران در پس پرده آهنین جلوگیری کند.

۱۰. در روز ۸ آگوست مطبوعات توده ای اعلام کردند که شاه قصد انجام کودتای نظامی دارد.

۱۱. بنا به گزارشات دریافتی در روز ۹ آگوست، دیدارهای محرمانه ای میان شاه، سرلشکر زاهدی و برخی از مقامات سفارت آمریکا جریان داشت.

۱۲. در روز ۱۱ آگوست شاه و ملکه به رامسر رفتند تا تعطیلات را در سواحل دریای خزر سپری کنند.

۱۳. در روز ۱۳ آگوست شاه فرمان برکناری مصدق و جانشینی سرلشکر زاهدی را صادر کرد. سرهنگ

۱. آنچه در ذیل می آید شرح وقایعی است که به حوادث ۱۹-۲۱ آگوست منجر شد.

۲. در روز ۱۱ جولای مطبوعات ایران نامه نگاری دکتر مصدق و پرزیدنت آیزنهاور را منتشر کردند. مجامع سیاسی ایران پاسخ آیزنهاور را حرف آخر آمریکا در مناقشه نفتی برشمردند و مقامات سفارت آمریکا هم ادعا کردند که این پاسخ پس از دقت فراوان و با در نظر گرفتن تبعات احتمالی آن، از جمله گرایش دکتر مصدق به سمت شوروی، تهیه شده است.

۳. در روز ۲۰ جولای، سرلشکر زاهدی که دو ماه گذشته را در مجلس تحصن کرده بود، از طرف دولت تضمین گرفت که مورد آزار قرار نگیرد مشروط به اینکه در فعالیت های ضد دولتی شرکت نکند و به این ترتیب مجلس را ترک کرد.

۴. تا ۲۵ جولای از سرلشکر زاهدی خبری در دست نبود و شایعه شد که در اختفا به سر می برد. گزارشات موثقی موجود است که او به صورت مخفیانه با شاه و سفارت آمریکا در تماس بوده است. همه عقیده داشتند که دولت ایالات متحده خواهان سقوط دولت دکتر مصدق است.

۵. در ۲۶ جولای آقای هندرسون سفیر آمریکا که برای تعطیلات به اروپا سفر کرده بود با آقای ملبورن رئیس بخش سیاسی سفارت آمریکا در تهران دیدار می کند. شایعات زیادی منتشر شده بود که سفارت آمریکا مایل بود سرلشکر زاهدی جانشین دکتر مصدق شود ولی شاه که به زاهدی بدگمان بود، فرد دیگری را ترجیح می داد.

پیروان حزب توده، در خیابان های تهران فریاد «مرگ بر شاه» و «سلطنت باید پایان یابد» سر می دهند.

روزنامه های توده ای و مطبوعات طرفدار دولت در سرمقاله هایشان خواستار تأسیس جمهوری شدند و اعلام کردند که محمدرضا پهلوی دیگر شاه نیست زیرا از کشور متواری شده است. دکتر فاطمی، وزیر امور خارجه، به امضای خود مقاله ای بسیار تند و کینه جویانه علیه شاه در روزنامه «باختر امروز» به چاپ رساند.

۲. سخنگوی دولت اعلام کرد که ایران از عراق درخواست کرده اقدامات لازم را انجام دهد تا از هرگونه درگیری میان دو کشور دوست و همسایه جلوگیری به عمل بیاید. او همچنین اضافه کرد که توصیه های لازم به سفیر ایران و کارکنانش در عراق ارائه شده تا از هرگونه تماس با شاه خودداری کنند.

۳. دکتر مصدق و مشاورانش از جبهه ملی تمام روز را در جلسه بودند تا راه حلی برای مشکلات پدید آمده ببینند. رهبران حزب توده، دکتر مصدق را تشویق می کردند تا طی حکمی اعلام کند دوران سلطنت در ایران به پایان رسیده و جمهوری جایگزین آن شده است. آن ها به مصدق اطمینان دادند که به عنوان نخستین رئیس جمهور ایران انتخاب خواهد شد. اینگونه به اطلاع ما رسیده که مصدق با این پیشنهاد مخالفت کرده و خواستار تشکیل شورای سلطنت، مرکب از سه نماینده برگزیده او بوده است. او پیشنهاد کرده که پس از انتصاب شورا، دومین فراندوم برگزار شود تا مردم این اقدامات را تأیید کنند. تمام روز فرستاده های حزب توده و نخست وزیر در رفت و آمد بودند تا این دو دیدگاه را به یکدیگر نزدیک کنند. در آخر سازش ممکن شد، به این ترتیب که شورای سلطنت تشکیل شود و فراندوم سومی برگزار شود تا «خواست و اراده مردم» برای تشکیل جمهوری تبیین شود. نماینده دولت اعلام کرد که تغییر رژیم مد نظر دولت نیست، ولی یک شورا یا دستگاه مناسب تشکیل

نصیری فرمانه گارد شاهنشاهی به طور محرمانه این فرمان را از رامسر به تهران منتقل کرد.

۱۴. در روز ۱۴ آگوست مطبوعات توده ای جزئیات بیشتری از کودتای مشکوک را منتشر کردند. در تهران به صورت گسترده ای شایع شد که حزب توده اطلاعاتی راجع به جابجایی واحدهای ارتش را در اختیار نخست وزیر قرار می دهد. گزارش شد که نخست وزیر به ستاد ارتش دستوراتی داده تا در صورت وقوع کودتا به کار بگیرند.

۱۵. اواخر شب ۱۵ آگوست سرهنگ نصیری به خانه مصدق می رود و نسخه ای از فرمان سلطنتی را به فرمانده یگان مسئول حفاظت از نخست وزیر ابلاغ می کند. او به محض اینکه محل را ترک کرد، دستگیر می شود. به نظر می رسد نقشه این بوده که گارد شاهنشاهی همزمان با ابلاغ فرمان سلطنتی به منزل دکتر مصدق، ستاد ارتش و مراکز پلیس، رادیو و دیگر مراکز مهم را به اشغال خود در بیاورند. اشتباهی رخ داد و نقشه شکست خورد. گفته می شد که افسران رده های پایین تر گارد محافظ از طرفداران حزب توده بودند و نقشه را مختل کردند.

۱۶. در روز ۱۶ آگوست دولت اعلام کرد که کودتا شکست خورده است. گردهمایی های مردمی تشکیل شد که درخواستشان تأسیس جمهوری بود. بلافاصله پس از آنکه رادیو شکست کودتا را اعلام کرد، شاه و ملکه رامسر را به قصد بغداد ترک کردند.

مرحله دوم

۱. در روز ۱۷ آگوست جمعیت توده ای و دیگر طرفداران دولت مجسمه پدر شاه را از میدان شهر تهران به پایین کشیدند. مجسمه شاه که در یکی از پارک ها نصب شده بود را نیز سرنگون کردند. در تمام دفاتر دولت عکس شاه را پایین آورده و لگدمال کردند. در شهرستان ها نیز همین اتفاقات افتاده است. جوانان، اغلب

آقای هندرسون بعد از ظهر آن روز با مصدق تماس می گیرد... ملاقات آن ها به طور ناگهانی پایان می یابد. بنا به گفته منابع موثق خبری، بلافاصله پس از این بود که نقشه ها برای حوادث روز ۱۹ آگوست به جریان افتادند. در این هنگام فقط فرماندهان لشکر، رئیس پلیس و آیت الله بهبهانی که مسئول سازماندهی تظاهرات مردمی بود، از این نقشه آگاهی داشتند و در نتیجه حزب توده کوچکترین شانس نداشت که از این نقشه اطلاع بیابد.

۸. حدود ساعت ۸ صبح روز ۱۹ آگوست جمعیتی نزدیک به سه هزار نفر مسلح به چوب و چماق تظاهراتی ضد مصدق و به طرفداری از شاه را در جنوب شهر تهران به راه انداختند. آن ها در خیابان های تهران فریاد می زدند «مرگ بر مصدق خائن» و «زننده باد شاه». اگرچه به نظر می رسید احساسات سلطنت طلبانه آن ها به جوش آمده ولی اکثر این جمعیت پول دریافت کرده بودند تا در این تظاهرات شرکت کنند؛ تعداد زیادی از تظاهرات کنندگان افراد بیکار و ارادل معروف و شناخته شده بودند. همزمان رئیس پلیس دستوراتی صادر کرد مبنی بر اینکه نباید با تظاهرات کنندگان برخوردی صورت بگیرد.

برخی از جمعیت به سمت بازار به حرکت درآمدند و تهدید کردند که مغازه ها را غارت خواهند کرد. این تهدید به سرعت تأثیر کرد و بازار به آبی تعطیل شد. جمعیت افزایش یافت و عده ای از متمولین که از سیاست های مصدق و به خصوص گرایش او به حزب توده بیزار بودند به تظاهرات کنندگان پیوستند. تعداد زیادی کامیون و اتوبوس که آن روز صبح تدارک دیده شده بودند در صحنه حاضر شده و به صورت رایگان به جابجایی مردم پرداختند. این وسایل نقلیه در شهر می چرخیدند و مردمی که بر آن سوار بودند شعار سر می دادند و اینگونه یک جنگ روانی به سود شاه به راه انداختند.

خواهد شد تا وظایف شاه را که کشور را رها کرده، به انجام برساند.

۴. مطبوعات اپوزیسیون عکسی از فرمان سلطنتی که نخست وزیری زاهدی را اعلام می کرد منتشر کردند و نوشتند که در نبود مجلس تنها شاه است که می تواند فرمان عزل و نصب نخست وزیر را صادر کند. در نتیجه دولت دکتر مصدق دیگر وجهه قانونی ندارد و باید آن را قیامی بر ضد دولت قانونی مملکت دانست.

۵. در روز ۱۷ آگوست سرلشکر زاهدی موفق شد تا کنترل لشکر موتوریزه و مرکز پلیس را در دست بگیرد. همچنین مشخص شد که تلاش دومی در راه است تا به زودی دولت مصدق را سرنگون کنند.

۶. آقای هندرسون سفیر آمریکا، وارد تهران شد.

۷. در روز ۱۸ آگوست صدها تن از طرفداران حزب توده به تظاهرات پرداخته و تشکیل «جمهوری دموکراتیک» را خواستار شدند. رهبران توده ای به مصدق اطلاع دادند که کودتای نظامی دومی در راه است تا دولت سرنگون شود. آن ها از مصدق خواستند تا تعداد ۱۰ هزار تفنگ و سلاح کوچک در اختیارشان قرار دهد تا آن ها از دولت حمایت کنند. دکتر مصدق در پاسخ به این درخواست، جزئیات بیشتری از ماجرا را از آن ها خواست ولی توده ای ها موفق نشدند جزئیات بیشتری فراهم کند.

شاه و ملکه بغداد را به قصد رُم ترک کردند و روزنامه های طرفدار دولت همچنان به این موضوع پرداختند که شاه به دلیل ترک کشورش از مقام خود عزل شده است. مشخص شده که خروج شاه از بغداد تا حدی مایه آرامش محافل دولتی شده زیرا می ترسیدند که شاه به تبریز برود و از آنجا جنبشی علیه دولت مرکزی به راه بیاندازد.

دکتر مصدق و مشاورانش تمام روز ۱۸ آگوست را مشغول کار بر روی آخرین جزئیات افتتاح شورای سلطنت و سازماندهی برگزاری دومین فراندوم بودند.

در مرکز فرماندهی پلیس تشکیل داد. سپس به خانه دکتر مصدق حمله شد. ابتدا جمعیت زیادی به خانه اش حمله بردند ولی آتش مسلسل آن ها را به عقب راند و عده ای کشته و زخمی شدند. دومین حمله طرفداران زاهدی نیز با شکست مواجه شد. در این هنگام تانک های سنگین شرمین وارد صحنه شدند و خانه را بمباران کردند. در ساعت ۶ بعدازظهر مقاومت خانه در هم شکست و دروازه منزل تخریب شد. سپس جمعیت به داخل خانه حمله برده و آن را غارت کرده و به آتش کشیدند. منزل پسر دکتر مصدق که در همسایگی آنجا بود به همین ترتیب ویران شد. همان شب تمامی زندانیان سیاسی آزاد شدند و زاهدی به طور کامل قدرت را در دست گرفت. گزارش شده که دکتر مصدق در ساعت ۱۰ صبح با دوستانش در حزب توده تماس می گیرد و اعلام آمادگی می کند تا تسلیحات در اختیارشان قرار دهد ولی آن ها این پیشنهاد را رد می کنند و می گویند که دیگر دیر شده است.

بسیاری بر این عقیده اند که کودتا موفق شد زیرا نقشه آن به خوبی طراحی شده بود، کاملاً آن نقشه را پنهان نگاه داشتند و پول زیادی برای اجرای این طرح هزینه کردند. ۹. سرلشکر زاهدی تمام روز ۲۰ آگوست را صرف محکم ساختن پایه های قدرتش کرد و وزرا از میان همکارانش برگزید. او اعلام کرد تمامی افسران ارتش که در فهرست بازنشستگی دکتر مصدق قرار گرفته بودند می توانند برای خدمت دوباره به ستاد ارتش بروند. دکتر مصدق، دکتر شایگان، دکتر صدیقی و آقای معظمی که روز قبل از خانه دکتر مصدق گریخته بودند و در خانه ای در همان نزدیکی پناه گرفته بودند، پیدا و دستگیر شدند. دستور داده شد تا تمامی رهبران جبهه ملی دستگیر شوند. دکتر مصدق و سه همکارش را پس از بازداشت به باشگاه افسران بردند. تمامی فرماندهانی که روز قبل

به سرعت مشخص شد که تمام نیروی پلیس پشتیبان تظاهرات کنندگان است و افسران پلیس در برخی موارد به تظاهرات کنندگان جهت می دادند و آن ها را هدایت می کردند. دکتر مصدق به سرعت رئیس پلیس را برکنار کرد و دستور دستگیری او را داد. او همچنین به ارتش دستور داد تا با تانک و زره پوش به خیابان برود و جمعیت را متفرق کند. طبیعتاً دستور صادره از طرف ستاد ارتش به سرعت اجرا نشد و پس از چند ساعت که سربازان به خیابان آمدند به راحتی توسط مردم قانع شدند که برای دفاع از شاه به جمعیت بپیوندند. در فاصله بین ساعت ۹ صبح تا ۱۲ ظهر، مراکز ۳ حزب حامی دولت و دفاتر روزنامه های طرفدار مصدق مورد هجوم قرار گرفته و به آتش کشیده شدند. جمعیت سپس به روزنامه های توده ای حمله برد و در آنجا با اندکی مقاومت مواجه شد ولی به زودی این مقاومت در هم شکست.

کامیون های حامل سربازان، تانک ها و ماشین های زره پوش تا ظهر در تمام شهر پخش شدند و در برخی موارد به سمت مردم آتش گشودند. اما در بیشتر موارد سربازان به تظاهرات کنندگان پیوستند. در ساعت ۲:۳۰ بعدازظهر طرفداران سرلشکر زاهدی رادیو را اشغال کرده و اعلام کردند که دکتر فاطمی تکه تکه شده و تمامی دفاتر دولتی تصرف شده و دکتر مصدق نیز فرار کرده است. (این گزارشات دروغین بی درنگ بر پایتخت تأثیر گذاشت و روحیه طرفداران دولت را که ممکن بود مقاومتی از خود نشان دهند به طور کامل از بین برد).

گوینده رادیو سپس فرمان انتصاب سرلشکر زاهدی به نخست وزیری را خواند. اندکی بعد سرلشکر زاهدی در رادیو سخنرانی کرده و برنامه های دولتش را اعلام کرد. در فاصله ساعت ۲:۳۰ تا ۳:۳۰ بعدازظهر مراکز ستاد ارتش و دیگر دفاتر دولتی پس از اندکی مقاومت به تصرف درآمدند. در ساعت ۴ بعدازظهر سرلشکر زاهدی دیگر اوضاع را به دست گرفته بود و مقر خود را

برای تشکیل مجلس را فراهم می کند. اعضای سنا هم اعلام کردند که انحلال مجلس سنا که به دستور دکتر مصدق صورت گرفته بود، فاقد اعتبار است. (این مساله کمی بحث برانگیز است زیرا چندان از حمایت مردمی برخوردار نیست.)

۱۲. مناقشه نفتی: در پاسخ به سؤال ملا کاشانی، سرلشکر زاهدی اعلام کرد که پیشنهادی برای پرداخت غنیمت نداشته و مایل نیست که کمپانی نفت ایران و انگلیس به ایران بازگردد. سرلشکر زاهدی در نشست خبری گفت که مشکل اضطراری مملکت انجام اصلاحات داخلی است؛ پس از آن باید به مسائل نفتی پرداخت. به نظر می رسد که نباید این اظهارات را تعهدات رسمی برشمرد چراکه صرفاً برای آرام کردن آشفتگی های عمومی بیان شده اند. توافق بر سر مسأله نفت یکی از اولین مواردی است که هر دولتی باید به آن بپردازد ولی همه اعلام موافقت کردند تا زمانی که پروپاگاندای دولت قبل از میان نرود و سوءتفاهم ها برطرف نشود، به میان کشیدن مسأله نفت مشکلی را حل نخواهد کرد. فضایی آرام لازم است تا بتوان مذاکرات و گفت و گوهای منطقی را آغاز کرد.

۱۳. روابط ایران - آمریکا: حس و حال عمومی تهران و مجامع بانفوذ پایتخت، خوشنودی از آن است که درست در زمانی که دکتر مصدق می خواسته مملکت را به حزب توده بسپارد، ایالات متحده به کمک ایران آمده است. همه معتقدند که اگر کمک ها، راهنمایی ها و حمایت های مالی آمریکا و تشویق شاه برای ایستادگی نبود، نقشه سرنگونی مصدق هرگز موفق نمی شد. متأسفانه به نظر می رسد که این افراد پرنفوذ حمایت های آمریکا را دائمی و الزامی می دانند و اگر مشکلی پیش بیاید می توانند همچون گذشته در پشت آن پناه بیابند و به این ترتیب می توانند کوچکترین توجهی به نیازهای اساسی مملکت نداشته باشند.

فرمان مصدق را اجرا کرده بودند دستگیر شده بودند. تخمین زده می شد که در روز ۱۹ آگوست بیش از ۵۰ نفر کشته و ۳۰۰ نفر زخمی شده اند.

۱۰. شاه در روز ۲۲ آگوست به تهران بازگشت و اعضای جدید دولت، مقامات ارشد نظامی و دیپلمات ها در فرودگاه از او استقبال کردند. ماشین های زرهی و تانک ها او را از فرودگاه تا کاخ تابستانی اسکورت کردند. او در بعدازظهر همان روز در پیامی از مردم به خاطر حمایت و دلوری شان برای دفاع از استقلال کشور، که بیش از هر زمان به خطر افتاده بود، تشکر کرد. او اضافه کرد که با خوشحالی حاضر است جانش را فدای چنین مردم وفاداری کند و پیمان بست که به ملت خدمت کند. در پایان گفت تمام افرادی که از قانون اساسی تخطی کرده اند به زودی محاکمه خواهند شد.

نظر عموم بر آن بود که وقایع اخیر ثابت کرده سلطنت همچنان در ایران محبوب است زیرا یک سنت تاریخی به شمار می رود. سلطنت نمادی از استقلال ملی و اقتدار به شمار می رفت و سنگری بود در مقابل موج کمونیسم. همه عقیده داشتند که محبوبیت شاه در آینده به این بستگی دارد که او سلطنت مشروطه کند و یا اقدامات قدیمی اش که باعث عدم محبوبیتش در سال های اخیر شده بود را ادامه دهد. نباید فراموش کرد تدابیری که دکتر مصدق اتخاذ کرد تا مداخله شاه در ارتش را کاهش دهد با استقبال عموم مردم مواجه شد و اگر شاه در آینده به هر ترتیب از قانون اساسی تخطی کند با مخالفت تمامی گروه های پیشروی کشور مواجه خواهد شد.

۱۱. مجلس: مطلع شده ایم که دولت می خواهد مجلس را منحل کرده و رفراندوم اخیر را بی پایه اعلام کند و همچنین پیشنهاد کرده که در حوزه هایی انتخابات برگزار کند که نمایندگان مجلس هفدهم را انتخاب نکرده اند؛ سپس ۵۷ عضو سابق بازگردند. این تعداد به اضافه ۲۳ نفری که مجلس را ترک کرده بودند حد نصاب لازم



گزارش شده که برخی از افراد پرنفوذ معتقدند که دولت جدید باید سیاست های رادیکال تر و مترقی تری را در پیش بگیرد. در غیر اینصورت فضای فراوانی را در اختیار تندروهای چپگرا قرار خواهد داد تا از هرگونه واکنشی بهره برداری کنند.

همین گروه از افراد پرنفوذ عقیده دارند که انتصاب سرلشکر زاهدی به تنهایی باعث تقویت حزب توده شده است، به این ترتیب که اتهامات بی کفایتی و فساد زاهدی می تواند به توده ای ها این فرصت را بدهد که او را مزدور و دست نشانده آمریکا معرفی کنند.

از سوی دیگر گزارش می شود که برخی از افرادی که در جایگاه بسیار خوبی قرار دارند، سرلشکر زاهدی را در شرایط کنونی مناسب ترین فرد برای مقابله با مشکلات می دانند، ولی در نهایت باید با فردی که از لحاظ سیاسی مقبول تر است جایگزین شود.

\*در پرونده های وزارت امور خارجه هیچ اطلاعاتی مربوط به منبع بریتانیایی این سند موجود نیست. اما ساختار این نوشته به استناد وزارت امور خارجه بریتانیا و یا سفارت بریتانیا در واشنگتن شباهت دارد. اضافه بر آن، هیچ اطلاعی در پرونده وزارت امور خارجه موجود نیست که نشان دهد چگونه و چه زمانی این گزارش به وزارت امور خارجه ارسال شده است. حروف اول اسم بایرود، توسط خود او در حاشیه بالای سمت راست متن ثبت شده است.

۱۴. دولت جدید: سرلشکر زاهدی دولت جدیدش را در روز ۲۳ آگوست به شاه معرفی کرد. وزرای کشور، جنگ، امور خارجه، پست و تلگراف هنوز اعلام نشدند. اکنون معاونین این وزارتخانه ها را اداره می کنند تا وزیر منصوب شود؛ سرلشکر زاهدی پیشنهاد کرده تا در این فاصله شخصاً بر این وزارتخانه ها نظارت نزدیک داشته باشد. سه نفر از معاونین این وزارتخانه ها از فرماندهان ارتش هستند و ارتشی ها کابینه را تسخیر کرده اند. مردم به شدت از اعضای جدید کابینه دلسرد شده اند و تحلیلگران معتقدند که عمر این کابینه کوتاه خواهد بود.

۱۵. حزب توده: از زمان سقوط دکتر مصدق، حزب توده سکوت کامل اختیار کرده است و تمامی روزنامه هایش سرکوب شده اند. بازار از روز ۱۹ آگوست تعطیل است، زیرا مغازه دارها از جانب توده ای ها تهدید شده اند که اگر مغازه شان را باز کنند مورد غارت و چپاول قرار خواهند گرفت. دولت در تلاش است تجار را قانع کند که مغازه ها و دفاترشان را بگشایند ولی تا شب ۲۳ آگوست موفق نشده رضایتشان را جلب کند. تمام نشانه ها حاکی از آن است که حزب توده بسیج شده تا به شاه و دولت جدید حمله کند. خبر رسیده که حزب توده در تلاش است حمایت تمام طرفداران دولت قبلی و عناصر «متجدد» که از دولت جدید ناامید شده اند را گردهم بیاورد تا جبهه ای متحد تشکیل دهد. تحلیلگران مطلع می گویند که توده در آینده نزدیک بسیار فعال تر خواهد شد.

**فرقه دموکرات آذربایجان پروسه های منطقه ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می دهد.**

**پیشه وری**

## انقلاب مشروطیت تحولی تاریخ ساز....

عبدالرحیم طالبوف و میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا ملک خان و میرزا آقاخان کرمانی و سید جمال الدین اسدآبادی و دیگران زمینه‌های مشروطه خواهی را فراهم آورد. سخنرانی‌های سیدجمال واعظ و ملک المتکلمین توده مردم مذهبی را با اندیشه آزادی و مشروطه آشنا می‌کرد. نشریاتی مانند حبل المتین و چهرنما و حکمت و کمی بعد ملانصرالدین که همه در خارج از ایران منتشر می‌شدند نیز در گسترش آزادی خواهی و مخالفت با استبداد نقش مهمی داشتند.

کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی که آشکارا انگیزه خود را قطع ریشه ظلم و نتیجه تعلیمات سیدجمال الدین دانسته بود، کوشش بیشتر در روند مشروطه خواهی را سبب شد.

اگر چه از مدتی قبل شورش‌ها و اعتراضاتی در شهرهای ایران علیه مظالم حکومت رخ داده بود اما شروع جنبش را معمولاً از ماجرای گران شدن قند در تهران ذکر می‌کنند. علاءالدوله حاکم تهران هفده نفر از بازرگانان و دوفنر سید را به جرم گران کردن قند به چوب بست. این کار که با تائید عین الدوله صدراعظم مستبد انجام شد اعتراض بازاریان و روحانیان و روشنفکران را برانگیخت. اینان در مجالس و در مسجدها به سخنرانی ضد استبداد و هواداری از مشروطه و تأسیس عدالتخانه یا دیوان مظالم پرداختند. خواست برکناری عین الدوله و عزل مسیو نوز بلژیکی و حاکم تهران و حتی عسگر گارچی به میان آمد و اعتصاب در تهران فراگیر شد. عده‌ای از مردم و روحانیان به صورت اعتراض به حضرت عبدالعظیم رفتند. مظفرالدین شاه وعده برکناری صدراعظم و تشکیل عدالتخانه را داد. هنگامی که به وعده خود عمل نکرد علما از جمله سید محمد طباطبائی و آقا سیدعبدالله بهبهانی به قم رفتند و تهدید کردند که کشور را ترک می‌کنند و به عتبات عالیات خواهند رفت. عده‌ای هم در سفارت انگلیس متحصن شدند. عین الدوله با گسترش ناآرامیها در شهرهای دیگر استعفا کرد و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدراعظم شد.

فرمان مشروطیت

فرمان مشروطیت در اصل فرمان تشکیل مجلس شورای ملی ست که مظفرالدین شاه قاجار در (۱۴ مرداد ۱۲۸۵ شمسی)

مشروطیت در اروپا به دلیل تغییر اندیشه در زمینه های مختلف دینی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تحت تأثیر رنسانس به وجود آمد. رنسانس تفسیر جدیدی از انسان ارائه داد. در غرب، شاه از قدرت زیادی برخوردار بود. قوانین حاکم، بورژواها را در مقابل اشراف فئودال و دخالت های شاه محفوظ می داشت، اما تفسیر جدید از دین و آزادی راه را برای گسترش فرهنگ آزادی هموار ساخت.

عمده ترین وجه مشخصه مشروطیت اروپایی، لیبرالیسم و اعتقاد به برابری انسان ها در مقابل قانون بود. انقلاب فرانسه با شعار برابری، برادری و آزادی توانست نظریه تفکیک قوا و اعلامیه حقوق بشر را که در آن به آزادی جان، مال و شغل، پارلماناریسم و برابری انسان ها در برابر قانون اشاره شده بود، به یک معنا به وجود آورد.

مشروطیت ایران در یک بستر نسبتاً مناسب از لحاظ اجتماعی و سیاسی، محصول ورود تفکرات غربی به ایران یا واکنش دیدگاه های سنتی و دینی نسبت به آن ها بود. در واقع، مشروطیت در ایران را می توان محصول بیداری ایرانیان و وقوف به ضعف و عقب ماندگی خود در قبال اروپائیان و اعتراض به حکومت استبدادی دانست. این بیداری با واقعه رژی آغاز می شود.

اعطای امتیاز توتون و تنباکو به تالبوت در زمان سلطنت ناصر الدین شاه، برای اولین بار در تاریخ معاصر ایران موجب ائتلاف سه گروه صاحب نقش: علما، تجار و مردم، علیه سیاست های دولت شد که به لغو امتیاز و شکسته شدن طلسم مبارزه با استبداد منجر شد و تحولی عظیم در توده مردم ایران به وجود آورد. پس از لغو این امتیاز، مجموعه ای از عوامل داخلی و خارجی که برخی از آن ها نقش مستقیم و برخی دیگر اثرات روانی بر ایران و تحولات ایران داشت، باعث شد تا جنبش مشروطه خواهی در ایران پدید آید. شماری از اوائل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار نارضایتی مردم از ظلم و ابستگان حکومت رو به رشد بود. تأسیس دارالفنون و آشنایی تدریجی ایرانیان با تغییرات و تحولات جهانی اندیشه تغییر و لزوم حکومت قانون و پایان حکومت استبدادی را نیرو بخشید. نوشته‌های روشنفکرانی مثل حاج زین‌العابدین مراغه‌ای و

قصر صاحبقرانیه به تاریخ چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۴ هجری در سال یازدهم سلطنت ما» چون در این فرمان با ذکر «شاهزادگان قاجاریه و علماء و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف» ذکری از دیگر طبقات مردم نشده بود، به درخواست نمایندگان پناهندگان سفارت، فرمان دیگری صادر شد:

جناب اشرف صدراعظم — در تکمیل دستخط سابق خودمان مورخه چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۴ که امر و فرمان صریحاً در تأسیس مجلس منتخبین ملت فرموده بودیم مجدداً برای آنکه عموم اهالی و افراد ملت از توجهات کامله ما واقف باشند امر و مقرر می‌داریم که مجلس مزبور را به شرح دستخط سابق سریعاً دایر نموده بعد از انتخابات اجزاء مجلس فصول و شرایط نظام مجلس شورای اسلامی را مطابق تصویب و امضای منتخبین به طوری که شایسته مملکت و ملت و قوانین شرع مقدس باشد مرتب بنمائید که به شرفعرض و امضای همایونی ما موشح و مطابق نظامنامه مزبور این مقصود مقدس صورت و انجام پذیرد.»

در این فرمان عبارت «منتخبین ملت» آمده و نیز به جای «مجلس شورای ملی» از «مجلس شورای اسلامی» نام برده شده است.

مجلس اول

مجلس اول روز ۱۴ مهر ۱۲۸۵ در تهران گشایش یافت. نمایندگان به تدوین قانون اساسی پرداختند و در آخرین روزهای زندگی مظفردالدین شاه این قانون نیز به امضای او رسید.

بر پایه قانون اساسی مجلس وظایف مالی زیر را بر عهده داشت:

- تهیه بودجه و نظارت بر اجرای بودجه کشوری
- تصویب انتقال یا فروش منابع زیر زمینی و تصویب قراردادهای صنعتی و کشاورزی
- تصویب تغییر مرزهای کشور
- تصویب قراردادهای و عهدنامه‌ها با دولتهای خارجی
- تصویب تشکیل کمپانی‌های ملی
- تصویب هر گونه قرار دادهای دولتی

در پاسخ به متحصنین در جنبش مشروطه ایران امضا کرد و از طریق آن با مشارکت مردم در امر حکومت موافقت کرد و اینچنین حکومت مشروطه برای اولین بار در ایران تأسیس شد.

خطاب فرمان به صدراعظم یعنی میرزا نصراللهخان مشیرالدوله است که خود در تهیه آن و راضی کردن شاه به امضای آن کوشش کرده بود. اصل فرمان به خط احمد قوام (قوام السلطنه) است. متن فرمان از این قرار است:

جناب اشرف صدراعظم — از آنجا که حضرت باری تعالی جل‌شأنه سررشته ترقی و سعادت ممالک محروسه ایران را بکف کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی و رعایای صدیق خودمان قرار داده لهذا در این موقع که اراده همایون ما براین تعلق گرفت که برای رفاهیت و امنیت قاطبه اهالی ایران و تشیید مبانی دولت اصلاحات مقننه به مرور در دوائر دولتی و مملکتی به موقع اجرا گذارده شود چنان مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان قاجاریه، علماء، اعیان، اشراف، ملاکین و تجار و اصناف به انتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافه تهران تشکیل و تنظیم شود که در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازم را به عمل آورده به هیئت وزرای دولت خواه ما در اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد اعانت و کمک لازم را بنماید و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات قاطبه اهالی مملکت به توسط شخص اول دولت به عرض برساند که به صحه همایونی موشح و به موقع اجرا گذارده شود. بدیهی است که به موجب این دستخط مبارک نظامنامه و ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را موافق تصویب و امضای منتخبین از این تاریخ معین و مهیا خواهد نمود که به صحه ملوکانه رسیده و بعون الله تعالی مجلس شورای ملی مرقوم که نگهبان عدل است افتتاح و به اصلاحات لازمه امور مملکت و اجراء قوانین شرع مقدس شروع نماید و نیز مقرر می‌داریم که سواد دستخط مبارک را اعلان و منتشر نمایند تا قاطبه اهالی از نیات حسنه ما که تماماً راجع به ترقی دولت و ملت ایران است کمابینگی مطلع و مرفه‌الحال مشغول دعاگوئی دوام این دولت و این مجلس بی‌زوال باشند — در

تصویب اعتبار و وام‌های دولتی  
تصویب ساختن راه‌ها و راه آهن

محمدعلی شاه

پس از مرگ مظفرالدین شاه، ولیعهد او محمدعلی میرزا شاه شد و از همان ابتدا به مخالفت با مشروطه و مجلس پرداخت. او در مراسم تاجگذاری خود نمایندگان مجلس را دعوت نکرد. به علاوه اگرچه نمایندگان دوره اول مجلس که با حرارتی تمام جهت اصلاح اوضاع ایران می‌کوشیدند، با راندن مسیو نوز رئیس کل گمرک و وزیر خزانه از خدمت در مقابل سیاست روسیه تزاری که از او جداً حمایت می‌کرد، غالب آمدند؛ اما روس‌ها شاه تازه را در دشمنی با مجلس و مشروطه روز به روز بیش تر تقویت نمودند تا آن جا که محمدعلی شاه، مشیرالدوله را از صدارت برکنار کرد و امین السلطان (اتابک اعظم) را که سالها صدراعظم دوره استبداد بود از اروپا به ایران فراخواند و او را صدراعظم کرد. از امضای قانون اساسی سر باز زد. پس از اعتراضات مردم به ویژه در تبریز، ناچار دستخطی صادر کرد و قول همراهی با مشروطه را داد. ولی هم شاه و هم اتابک اعظم همچنان به مخالفت با مشروطه و مشروطه خواهان مشغول بودند. اتابک اعظم را جوانی به نام عباس آقا تبریزی با تیر زد و کشت.

نشریه هفتگی صوراسرافیل در این دوران منتشر می‌شد و نقش مهمی در تشویق مردم به آزادی‌خواهی و مقابله با شاه و درباریان طرفدارش داشت.

با توجه به ناقص بودن قانون اساسی مشروطه که با عجله تهیه شده بود مجلس متمم قانون اساسی را تصویب کرد که در آن مفصلاً حقوق مردم و تفکیک قوا و اصول مشروطیت آمده بود. محمدعلی شاه به مجلس رفت و سوگند وفاداری یاد کرد

بالاخره با فرستادن کانل لیاخوف فرمانده بریگاد قزاق حمله به مجلس را آغاز کرد. لیاخوف با نیروهایش مجلس را محاصره کردند و ساختمان مجلس و مدرسه سپهسالار را در ۲ تیر ۱۲۸۷ به توپ بستند. عده زیادی از مدافعان مجلس در این حمله کشته شدند. محمدعلی شاه، لیاخوف را به حکومت نظامی منصوب کرد و به تعقیب نمایندگان و دیگر آزادیخواهان پرداخت. ملک المتکلمین و میرزا جهانگیرخان و

قاضی ارداقی را در باغشاه پس از شکنجه در برابر محمدعلی شاه کشتند.

پس از حمله به مجلس و دستگیری و اعدام آزادیخواهان، جنبش مشروطه خواهی با شکست روبرو شده بود. بسیاری از مشروطه خواهان مخفی شدند و برخی به خارج از ایران رفتند. از جمله مهمترین دلایل شکست مشروطه‌خواهان متفرق شدن نیروهای محافظ مجلس بود که برخی از وکلا برای آن که بهانه به دست شاه ندهند نیروهای محافظ مجلس را متفرق کردند و حتی مهمات و اسلحه ای که برای دفاع در نظر گرفته شده بود را از مجلس خارج کردند و با این کار به طور غیر مستقیم زمینه شکست مدافعین مجلس را فراهم کردند. شکست در تهران شروع دوره ای بود که به استبداد صغیر مشهور است.

پس از حمله به مجلس و پخش خبر آن، در شهرهای دیگر ایران شورش‌هایی برخاست. مردم تبریز و بختیاری‌ها با شنیدن خبرهای تهران به هواداری از مشروطه و مخالفت با محمدعلی شاه برخاستند. شاه نیروهای دولتی را برای سرکوب فرستاد. علی مسیو، ستارخان، باقرخان و حیدرخان عمواغلی در تبریز به بسیج مردم و سازماندهی نیروی مسلح (مجاهدین مشروطه) برای مقابله نیروهای دولتی دست زدند. گروهی از ایرانیان قفقاز نیز به مردم تبریز پیوستند و به مجاهدان قفقاز معروف شدند. علی مسیو از یاران حیدرخان عمواغلی و یارانش هم دسته مجاهدان تبریز را تشکیل دادند. محمدعلی‌شاه از تزار روسیه نیکلای دوم درخواست کمک کرد و تبریز به محاصره نیروهای روس و نیروهای دولتی درآمد. امپریالیستهای روس و انگلیس دست به مداخلات مسلحانه زدند و ارتش به ایران آوردند. انگلیسیها عده‌ای در جنوب پیاده کرده، انجمن بختیاری و بوشهر را منحل اعلام کرده و عده ای از اعضای آنان را دستگیر کردند. سپس بندرعباس، بندر لنگه و بنادر دیگر خلیج فارس را نیز تصرف کردند و ژنرال کنسول انگلیس در بوشهر قدرت را در دست گرفت. در آذربایجان، در پی بسته شدن راه تبریز - جلفا، و محاصره کامل شهر از طرف قوای شاه، گرسنگی و قحطی هولناکی بر مردم روی آورد و کار بر آزادیخواهان سخت شد. در اردیبهشت ۱۲۸۸ دولتین روس و انگلیس موافقت کردند که

صغیر موفق به فتح تهران و شکست استبداد صغیر شدند. شاه و اطرافیانش به سفارت روس پناه بردند. انقلابیون مجلس عالی تشکیل دادند و محمدعلی شاه را از سلطنت خلع کردند و ولیعهد او احمد میرزا را به تخت نشاندند و علیرضاخان عضدالملک رئیس ایل قاجار به نیابت سلطنت او برگزیده شد. بار دیگر مجلس شورای ملی تشکیل شد و ظاهراً دوره استبداد به پایان آمد و مشروطه خواهان پیروز شدند.

#### مجلس دوم

مشروطه و قانون بار دیگر در کشور ایران به پا گشت. اما پیش از آن که به ثمر برسد کسانی به نام رجال رشته کارها را از دست آزادی خواهان در ربودند و قانون و آزادی را در گهواره خفه کردند و هنگامی که فدائیان و جانبازان واقعی آزادی به مطلب پی بردند که بسیار دیر شده بود.

مجلس دوم در تیر ما ۱۱ یک سال پس از بسته شدن مجلس اول، با حضور شاه جوان گشایش یافت. در هنگام گشایش مجلس نگرانی از ماندن سپاهیان روس در کشور و این که وعده آشکار داده‌اند که هر چه زودتر به این تشویش و نگرانی پایان دهند، در بیانات رسمی دولت انعکاس یافت، ولی این نیروها همچنان باقی ماندند و هر روز فساد تازه‌ای بر پا کردند. مجلس که بیشتر اعضای آن اشراف و خوانین بودند، در سراسر دوره تشکیل خود کاری انجام نداد. انقلاب مشروطیت ایران، اگر چه ضربه سنگین خود را بر پیکر استبداد وارد کرد و مجلس و قانون را در کشور برقرار ساخت، ولی نتوانست به اهداف واقعی خود دست پیدا کند.

قشون روس به بهانه شکستن خط محاصره و حمایت از اتباع بیگانه، و رساندن خواربار به آنان وارد تبریز شود. انجمن تبریز ناچار حاضر شد که از تمام خواسته‌های مردم دست کشیده «دست توصل به دامن اهریمنان بزند»، ولی کار از کار گذشته بود و سپاه روس از مرز گذشته بود. با ورود سپاهیان روس محاصره تبریز شکست و نیروهای شاه از شهر دور شدند. اما خاتمه کار تبریز به معنی پیروزی ارتجاع نبود و کوشش آزادیخواهان در نقاط دیگر ایران همچنان ادامه یافت.

در حالی که در تبریز مجاهدین در محاصره قوای دولتی و همدستان خارجی آن بودند، در اصفهان اعتراضات به بستنشینی عده‌ای انجامید و قوای بختیاری که در آن هنگام توسط حاکم اصفهان و بختیاری‌ها صمصام السلطنه رهبری می‌شد برای نجات جنبش مشروطه بسیج شده و از تمامی مناطق بختیاری‌نشین به سوی اصفهان حرکت کردند. با پیوستن قوای بختیاری کار بالا گرفت. نجف قلی خان صمصام‌السلطنه ایلیخان بختیاری با نیروی مسلح زیادی به اصفهان وارد شد. برادر او علیقلی خان سردار اسعد نیز که تا آن هنگام در فرانسه مشغول تحصیل بود، در پاریس با تعدادی از مشروطه‌خواهان ارتباط تنگاتنگی داشت و خود نیز از مشروطه‌خواهان بود، پس از سفر به لندن و مشورت با وزارت خارجه انگلستان به اصفهان آمد.

مجاهدین بختیاری با حرکت به سوی تهران و با همراهی مجاهدین شمال به فرماندهی سپهدار اعظم که در نزدیکی تهران به هم پیوستند، پس از شکست مقاومت نیروهای استبداد

#### فرجام رژیم...

رفسنجانی در نماز جمعه ( و کشور را از مسیر توسعه که انقلاب در آرزوی آن بود منحرف کرد، در نتیجه اختلاف دیرینه بین سنت و مدرنیته که از دوران مشروطه آغاز شده، گاهی در ظاهر و گاهی در پنهان ادامه داشت نمایان شد، طرفداران سنت ( شیخ فضل اله نوری، نواب صفوی، کاشانی و... ) که بر اریکه قدرت سیاسی نشسته، با کشتار و خشونت پیش می‌تاختند بدون الگو برداری و تجربه آموزی به بومی و اسلامیزه کردن اقتصاد و دیگر نهادها پرداختند. هرچند در برخی از سال‌ها و دوره‌ها به بازسازی نهادهای گذشته

دچار سردرگمی بود. با این حال گروه فرصت طلب، سرمست از انقلاب زودرس در سال‌های نخست که نزدیک به 400 میلیارد دلار ذخیره ارزی، با انبارها و اسکله‌های پر از کالا و اشتغال کامل با اندکی از میزان بیکاری را مشاهده و تصاحب کرد، ترغیب به صدور انقلاب شد، در نتیجه مدیریت اقتصادی و رهبری انقلاب در دست کسانی قرار گرفت که گاهی هیچگونه آشنایی و آگاهی از اقتصاد و سیاست جهانی نداشتند، جنگ 8 ساله ( بی معنی و ابلهانه ) همه منابع اقتصادی کشور را بلعید ( بیش از 1000 میلیارد دلار به گفته

بیکاری گسترده به قدری نگران کننده است که همه مقامات از رهبر گرفته تا رئیس جمهور، وزرا، فرماندهان نظامی، امام جمعه ها و دیگران آن را همواره بر زبان می آورند و تکرار می کنند. علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی می گوید: 70 درصد از جویندگان کار مدرک دانشگاهی دارند و ادامه می دهد که با ورود 5 میلیون فارغ التحصیل دیگر « آینده بحرانی » مطرح است، علی ربیعی در نشست دیگری می گوید: تمام تلاش دولت در حال حاضر نه ایجاد شغل، بلکه تثبیت مشاغل موجود است، ریزش کار در صنعت و صنایع بزرگ بیشتر از جاهای دیگر است و منشاء آن رکود طولانی و آب رفتن اقتصاد کشور است. علی لاریجانی رئیس مجلس هم در همین راستا سخن می گوید و آب پاکی را به سر و صورت جویندگان کار می پاشد و یادآور می شود که سهم بودجه عمرانی 10 درصد و آنهم واقعی نیست، در نتیجه تولید در کشور اوضاع خوبی ندارد و با آمپول تقویتی سرپاست ( در نشست ستادی و استانی سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور )، لاریجانی در همایش هیات امنای دانشگاه های علوم پزشکی تکرار می کند که نرخ بیکاری ایران در منطقه بین 10 کشور در رتبه 9 و در جهان در رتبه 76 قرار دارد و تورم هم در بین 24 کشور منطقه در رتبه 19 و در جهان هم در رتبه 158 بین 189 قرار می گیرد ( خبرگزاری فارس )، بخش های دیگر اقتصاد هم حال و روز بهتری ندارند، در بخش ساختمانی که در جذب نیروی کار بسیار موثر و تعیین کننده است، بیش از 80 درصد از کارگران بیکارند، در بخش کشاورزی که بیش از 90 درصد از منابع آبی را مصرف می کند و جوابگوی احتیاج و نیاز های جامعه نیست اوضاع وخیم تر است، زیرا از یک سو مهاجرت روستائیان با شتاب ادامه دارد و روستا ها با کشاورزان پیر و خسته روبرو است و از سوی دیگر با نابودی جنگل ها و کویری شده ایران اراضی قابل کشت محدودتر می شود و این در حالی است که هم اکنون 18 میلیون هکتار از اراضی قابل کشت و بیش از 10 میلیون هکتار با امکان و ظرفیت بهره برداری بلااستفاده و رها شده است.

آنچه مسلم است، رژیم ولایت، ایران را بعد از 4 دهه از انقلاب با فاجعه اقتصادی و اجتماعی روبرو کرده، 16 میلیون

پرداخته، و به اجرای تجربه دیگر کشور ها ( اروپایی و آسیایی ) روی آوردند و برای نزدیکی به نهاد های جهانی مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول تلاش ورزیدند و در راستای سیاست های آنها قدم برداشتند، ولی اقتصاد با اجرای دوگانگی ( اسلامی و عرفی ) هرگز نتوانست ثبات و جایگاه خود را در منطقه و جهان پیدا کند و خوشبختی شهروندان را از نظر اجتماعی، اقتصادی و رفاهی فراهم آورد.

حال 38 سال از انقلاب می گذرد، آمار های جهانی که بر اساس داده های نهاد ها و ارگان های اجتماعی و اقتصادی کشور تهیه می شود بسیار نگران کننده و گاهی خطرناک اند، در همه زمینه ها جمهوری اسلامی ایران در پائین ترین سطح و در رده های آخر قرار دارد. بر اساس گزارش نظر سنجی، افکار سنجی از احساسات جهانی « گالوپ » در سال 2017 مردم ایران به عنوان عصبانی ترین مردم جهان معرفی شده، با 50 درصد جمعیت عصبانی و پرخاشگر مقام نخست را در دست دارد، مردم عراق و سودان جنوبی در مقام های دوم و سوم قرار دارند ( افکار و احساسات سنجی بین 142 کشور ) بیش از 12 و نیم میلیون نفر به اختلالات روانی دچارند و اختلالات روانی در بین زنان از 15 سال تا 65 سال بیش از 23 درصد است ( خبرگزاری خانه ملت، 3 شنبه 27 تیرماه 96 ) این بخش کوچکی از واقعیت های موجود در جامعه استبداد زده کنونی است، ابعاد فاجعه بسیار وسیعتر و گسترده تر از آن است که رژیم با ایجاد ترس و وحشت و پیشبرد سانسور مانع از افشای آن شود، ولی برخی از حقایق را که مردم بویژه جوانان بطور مستقیم با آن درگیر هستند، نمی توان کتمان و یا پنهان کرد. یکی از چالش های مهم و سرنوشت ساز برای رژیم و آینده کشور بیکاری گسترده و رو به فزونی است که مانند سونامی رژیم را زیر خواهد گرفت، زیرا دیگر، درآمد های نفتی که حجم آن رو به کاهش و در آینده هم پیش بینی می شود که کاهش بیشتری پیدا خواهد کرد و جوابگوی نیاز مالی رژیم نخواهد بود که با هزینه آن بتواند تنش های اجتماعی را کاهش دهد، در نتیجه می توان پیش بینی کرد که پاشنه آشیل رژیم در آینده جوانان، زنان و بیکاری گسترده در بین آنان خواهد بود.

رژیم درمانده و ناتوان که قادر نیست تغییرات ساختاری با شرکت خود کارگران و جویندگان کار در نظام اقتصادی بوجود آورد به طرح های گذری، ناپایدار و کوتاه مدت روی می آورد تا از یک سو نیروی کار ارزان تا حد رایگان را در اختیار سرمایه بویژه نوکیسگان قرار دهد و از سوی دیگر مانع از تشکل و خیزش سیل بیکاران شود که هر روز ابعاد وسیعتری بخود می گیرد و به رژیم و حاکمیت خشم می ورزد. در این راستا گفتار خدایی، نماینده ای از سوی کارگران با روزنامه «شرق» جلب توجه می کند که می گوید: طرح ها، لایحه ها، آئین نامه ها، شیوه نامه ها را که با دقت مرور می کنم، همگی با یک هدف در مقابلمان به صف شده اند، بی حقوق تر کردن کارگران، استثمار بیشترمان... به نظر می رسد این کارگر بخشی از واقعیت را با شفافیت به زبان آورده تا بازی دیگری را بعد از قرارداد های موقت، سفید امضاء و شرکت های پیمانکاری آشکار سازد. این تابلو تیره که بخشی از واقعیت های اقتصادی را در جامعه به نمایش می گذارد، نشان می دهد که جامعه در تب و تاب است و هر لحظه می تواند با خروش سیل بیکاران و تهیدستان رژیم ولایت را طرد و جامعه را با دگرگونی های ژرف روبرو سازد، واحد های ملی، توده های مردم (کارگران، زحمتکشان، روشنفکران، تهیدستان)، و جوانان بیکار و سرخورده در گستره ایران ظرفیت و توانایی آن را دارند که خود اقدام کنند، دگرگونی های سیاسی لازم را بوجود آورند و سرنوشت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را تعیین نمایند. در نتیجه به شعار های تغییر رژیم که گاهی از بیرون شنیده می شود و خوشایند رژیم هم هست توجهی نمی کنند، زیرا رژیم گاهی از این شعار ها استفاده می کند تا نشان دهد که مردم از شرایط موجود راضی و از آن حمایت می کنند، اگر خطری رژیم را تهدید می کند ریشه در خارج دارد و درون زا نیست، در حالی که چالش های درونی، ناتوانی در مدیریت اقتصادی و اجتماعی، شرایط خفقان، دستور آتش به اختیار، دزدی و فساد، حادثه غم انگیز مال باختگان و تنش های گسترده که هر روز ابعاد وسیعتری بخود می گیرند، سرنوشت ساز و تعیین کننده خواهند بود و فرجام رژیم را تسریع خواهند کرد...

حاشیه نشین، میلیون ها بیکار و سرخورده، 11 میلیون نفر تحت حمایت کمیته امداد و بهزیستی قرار گرفته و شوربختانه هر روز بر تعداد آنان افزوده می شود، در این میان باید به سوء تغذیه 4 میلیون کودک و به میلیون ها کودک کار هم اشاره شود که آمار یونیسف تعداد آنان را تا 4 میلیون گزارش می دهد. بنابراین در کنار بیکاری گسترده که عباسعلی ابونوری، رئیس سابق دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران در گفتگو با «نسیم آنلاین» تعداد آنان را 15 میلیون نفر برآورد می کند، به راستی رژیم ولایت با چالش های جدی روبرو است که مهمترین آن خیزش بیکاران و تهیدستان جامعه است. در این میان دولت روحانی برای پیشگیری از خیزش همگانی بویژه جوانان بیکار و سرخورده به اقداماتی خارج از اراده واقعی کارگران و بیکاران دست می زند، در این راستا به 2 پروژه «کارورزی» و «مهارت آموزی» اشاره می شود که گویا زمینه هزاران شغل را فراهم خواهد کرد. برنامه ششم توسعه که 950 هزار تا یک میلیون شغل را در سال پیش بینی کرده (این حجم از کار نیازمند رشد بالاتر از 8 درصد با سرمایه 200 میلیارد دلار در سال است) به دولت اجازه می دهد تا بنگاه های کارورزی را برای فارغ التحصیلان دانشگاهی شناسایی تشویق نماید و آنها را تا دو سال از پرداخت بیمه کارفرمایی معاف دارد تا با پرداخت این حق بیمه از سوی دولت هزینه های آنها را پائین آورد، در این مدت به هر کارورز یک سوم حداقل دستمزد (300 هزار تومان) پرداخت شود، در این مدت کارورز از هیچگونه حق و حقوقی برخوردار نخواهد بود، این طرح که خود با قانون کار رژیم مصوب در سال 1379 مغایرت دارد، کارورز را تا حد مجرم و یا مقصر پائین می آورد که حق هیچگونه اعتراضی به شرایط کار و حتا ایمنی آن ندارد، در حالی که قانون اساسی جمهوری اسلامی کار، نان و مسکن را تضمین می کند و حفظ کرامت انسانی را در الویت قرار می دهد. دولت همسو با آن طرح مهارت آموزی در محیط کار را با طرح «تکاپو» (توسعه کسب و کار و اشتغال پایدار)، با شناسایی و نیاز استان ها از اول تیر ماه 96 آغاز کرده است که بتواند با بیکاری گسترده مبارزه کند. به نظر می رسد،

## در سال ۹۵ در تهران روزانه بین چهار تا پنج تجمع اعتراضی برگزار شده است.



سال گذشته تجمعات متعددی در تهران برگزار شده است که از جمله می‌توان به تجمع کارگران، معلمان، بازنشستگان و پرستاران اشاره کرد. برخی از این اعتراض‌ها اما با واکنش شدید نیروی انتظامی رو به رو و تعدادی از معترضان نیز بازداشت شدند.

رئیس پلیس پیشین تهران هیچ اشاره‌ای به دلیل برگزاری این تجمعات اعتراضی نکرد و نگفت که مسئولین امر به درخواست معترضین توجه کرده اند یا خیر؟

به گفته رئیس سابق پلیس تهران بزرگ، سال گذشته هزار و ۶۰۰ تجمع اعتراضی صنفی و اقتصادی در تهران برگزار شده است.

### یکی از تجمعات اعتراضی در مقابل مجلس

به نوشته خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، روز چهارشنبه ۱۸ مرداد مراسم تودیع حسین ساجدی نیا، رئیس پیشین و معرفی حسین رحیمی، رئیس جدید پلیس تهران با حضور کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران، فرمانده ناجا، استاندار تهران و فرماندهان و فرمانداران تهران در مقر فرماندهی انتظامی تهران برگزار شد.

حسین ساجدی نیا در این مراسم هنگام گزارش عملکرد پلیس در سال گذشته از جمله به شمار تجمعات برگزار شده پرداخت و گفت: «سال گذشته هزار و ۶۰۰ تجمع صنفی و اقتصادی داشتیم که هیچ آسیبی نداشتند و مراسم هدایت و نظارت شدند».

## ۷۵ درصد خانواده‌های ایرانی آسیب‌دیده یا در معرض آسیبند

در این نشست همچنین فاطمه قاسمزاده، فعال حقوق کودکان گفته فقر فرهنگی و اقتصادی دو عامل مهم در ایجاد کودک‌آزاری چه درباره قربانیان و چه متجاوزان است.

به اعتقاد او برای کاهش کودک‌آزاری دولت باید برنامه‌هایی برای کاهش فقر و آموزش کودکان و خانواده‌هایشان داشته باشد.

در ماه‌های گذشته خبر انتشار تعداد زیادی کودک‌آزاری باعث افزایش حساسیت‌ها به این موضوع شده است. این در حالی است که لایحه حمایت از حقوق کودکان بیشتر از ۶ سال است که به مجلس فرستاده شده اما هنوز به صورت کامل به تصویب نرسیده است.

معاون سازمان بهزیستی کشور می‌گوید پارسال از حدود ۷۰۰ هزار تماس تلفنی با اورژانس اجتماعی حدود ۱۶۰ هزار تماس (۲۳ درصد) در رابطه با کودک‌آزاری بوده است.

به گفته حبیب‌الله مسعودی‌فرید هرچند این آمار نسبت به سال گذشته تفاوت معنی‌داری نداشته، اما احساس می‌شود میزان شناسایی، افزایش یافته است.

معاون سازمان بهزیستی کشور می‌گوید پارسال از حدود ۷۰۰ هزار تماس تلفنی با اورژانس اجتماعی حدود ۱۶۰ هزار تماس (۲۳ درصد) در رابطه با کودک‌آزاری بوده است.

بسیاری از آسیب‌ها به کودکان رسانه‌ای نمی‌شود و در لایه‌های زیرین جامعه وجود دارد و کودکان بدون اینکه صدایی داشته باشند در حال قربانی شدنند.

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی استان تهران ۷۵ درصد خانواده‌های ایرانی خاستگاه آسیب‌های اجتماعی، یعنی یا آسیب دیده‌اند یا در معرض آسیب قرار دارند.

احمد خاکی در نشست قربانیان خاموش که برای بررسی کودک‌آزاری برگزار شده بود گفته بر اساس تحقیقات انجام شده در ایران سه نوع زندگی و خانواده داریم. ۲۵ درصد خانواده‌های ایرانی زندگی «بهشتی» دارند یعنی موفق و همراه یکدیگرند. ۵۰ درصد خانواده‌های ایرانی زندگی «برزخی و بینابینی» دارند و زندگی ۲۵ درصد خانواده‌های ایرانی «جهنمی» است و افراد خانواده می‌خواهند سر به تن یکدیگر نباشد.



ناپدید می‌شوند و اعضای بدن آنها قاچاق می‌شود و بعد از مدت‌ها جسد برخی از آنها در بیابان‌ها بدون کلیه و چشم رها شده است.

محمدعلی پورمختار، عضو کمیسیون قضایی مجلس این موضوع را تایید کرده است. به گفته او در شرایط فعلی قانون مشخص و بازدارنده‌ای در رابطه با فروش، اجاره یا قاچاق اعضای کودکان وجود ندارد، یکی از دلایل افزایش این نوع جرم نیز بر همین مبناست. در قوانین فعلی برای والدین کودکفروش تکالیف مبهم است و گاهی مجرم شناخته نمی‌شوند.

این گفته‌ها در حالیکه که لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان پنج سال است به مجلس فرستاده شده اما همچنان تصویب نشده است تعیین تکلیف مجازات والدین کودک آزار در این لایحه سبب ارجاع دو ماده مرتبط به کمیته تخصصی و طولانی‌شدن فرایند تصویب آن شده است. قوانین برای جلوگیری از کودک‌آزاری و سوءاستفاده از کودکان در ایران ناکافی و مبهم‌اند.

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور همچنین گفته بر اساس قانون کودک‌آزاری یک جرم عمومی است و نیاز به شاکی خصوصی ندارد و اگر کسی از کودک‌آزاری اطلاع داشته باشد و به مراکز مربوطه اطلاع ندهد مجرم محسوب می‌شود.

به گفته معاون امور زنان دولت، بسیاری از آسیب‌ها به کودکان رسانه‌ای نمی‌شود و در لایه‌های زیرین جامعه وجود دارد و کودکان بدون اینکه صدایی داشته باشند در حال قربانی شدنند.

عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس گفته اجاره و قاچاق اعضای کودکان به ویژه در بین خانواده‌های معتاد وجود دارد و از این رو در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان تکلیف این افراد از حیث قانونی مشخص می‌شود.

پیشتر فاطمه دانشور، رئیس کمیته اجتماعی شورای شهر تهران با اشاره به وجود باند بزرگ خرید و فروش کودکان در تهران گفته بود در بسیاری از موارد کودکان

## مشروطیت و تراژدی قدرت

### همت شهبازی

(به مناسبت ۱۴ مرداد، سالگرد انقلاب مشروطیت و بایادی از حماسه «ستارخان»)



یکصد ساله‌ایران به وقوع پیوسته، و می‌توانست همچون کشوری مانند ژاپن با یک انقلاب (انقلاب میجی) سیر صعودی ابداع‌گرایانه و نظام‌مند خود را پیدا بکند. مگر یک ملت چقدر نیرو و انرژی دارد تا بتواند در هر زمان و دوره‌ای خاص دست به تغییر وضعیت حاضر بزند. این مسئله نشان می‌دهد که تنها تغییر وضعیت برای تثبیت یک ساختار نظام‌مند که بتواند اجتماع را در همه جهات به‌اندیشه‌ها و آرزوهای منطقی خود برساند، کافی نبوده چرا که به محض پیروزی

در انقلابات تاریخ معاصر استیلاي روح فردگرایانه تداوم روح جمع‌گرایانه را دچار تزلزل کرده است. تراژدی قدرت و غریزه‌ی سلطه جویی و پیشی جستن بر همنوعان دیگر همواره در ذات اذهان استبدادی و مطلق‌گرای فردی وجود داشته و کوشیده است که به طریقی بر دیگری چیره یابد. هر کسی در پی کسب امتیاز از دیگری بوده است. این یک امر بدیهی است که هر جا انسانی بر انسان دیگر تسلط نداشته و به اصطلاح با اعمال ذهن عاطفی برای دیگران حق و امتیازی قائل شده و حتی در صورت فقدان به‌ایجاد حق نیز کوشیده است، نوعی تفاهم و همزیستی مسالمت آمیز، نودوستی و درک حضور یک همنوع دیگر بر اراده‌ها حکمفرما شده است نه تسلط زورمدارانه‌ی اندیشه‌های مطلقه.

در دگر‌دیسی‌های موجود در تاریخ معاصر ایران نیز، در تغییر وضعیت حاکم نوعی روح جمع‌گرایانه وجود داشته است اما در ادامه و در روند بعد از پیروزی، خواست‌ها و سلیقه‌های فردی، کیفیت‌های روح جمع‌گرایانه دوران انقلاب را برهم زده است، وگرنه‌این همه انقلاب و نهضت و جنبش‌ها در تاریخ

ادبیات انقلابی مکتب « ملا نصرالدین » ( جلیل محمدقلیزاده، میرزا علی اکبر صابر ) حائز اهمیت است. یا در زمینه علمی، اندیشه‌های عبدالرحیم طالبوف تبریزی نمونه خوبی است.

«تفکر» فردی که آگاهی را در درون منافع خود خلاصه می‌کرد، در روند حرکتی خود با جریان مشروطه، تبدیل به « تمایل انحصاری » می‌شد. به عبارتی به دلیل عدم تقسیم تفکر خود با تحولات اجتماعی و توجه انحصارگرایانه به خلاقیت در جهت انتفاع شخصی عملا سعی در حفظ موقعیت خود را داشته است برای حفظ آن دست به هرگونه خیانت‌های ویرانگری نیز می‌زده است. در این راستا می‌توان به شخصیت‌های متزلزل‌اشخاصی همچون: پیرم خان ارمنی، سردار اسعد بختیاری، رحیم خان و... اشاره کرد.

نمونه کامل روح منفعت پرستی‌های شخصی را می‌توان در ماجرای « پارک اتابک » در دوران مشروطیت که «یکی از سیاه ترین صفحات تاریخ جنبش مشروطیت ایران» ( ۲ ) است، مشاهده کرد. چرا که این پارک مظهری از خیانت است. دوستان سردار که با او برای استقرار مشروطیت تلاش می‌کردند در اینجا ماهیت قدرت طلبانه خود را نمایان می‌سازند. پارکی که به محض پیروزی روح جمع‌گرایانه، خیلی زودتر از آنچه فکرش را بکنی، روح منفعت پرستی و کسب امتیاز و قدرت طلبی را در خود شکوفا می‌کند. دسیسه‌های بیگانگان نیز برای روشن ساختن حرص و آز قدرت طلبی آنها بیکار نبود. حتی قشون روس خود رأسا دست به کار شده فجایع وحشت باری را می‌آفریند « دردناک ترین بدبختی یک ملت این است که در میهن خود اسیر سربازان بیگانه شود. » ( ۳ ) به هر حال آنها منافعی در ایران داشته‌اند جالب اینجاست که آنها برای انتفاع جمع و به اصطلاح پیشبرد کشورشان دست به خشونت‌های وهم آلود می‌زنند اما خیانت پیشگان داخلی برای رسیدن به آزمندی‌های خود، چراغ استیلای بیگانگان را روشن و استحکام نیروی داخلی را دچار زلزله می‌کردند. فاجعه همین جاست. و چنین است که « تمایلات » شخصی باعث تکرار تراژدی قدرت شده، عملا روح استبدادی را بر صحنه اجتماع حاکم می‌گرداند. اینکه «

ذهن و روح تکثر گرایی، ذهن مطلق گرای فردی، مسیر تجربه‌های جمعی جامعه را منحرف کرده است.

انقلاب مشروطه ایران نمونه کاملی برای این مسئله می‌باشد. ستارخان و همزمانش که دارای اندیشه‌های جمع‌گرایانه بوده و به هیچ وجه در فکر ارضای نیازهای فردی نبوده‌اند با این طرز تفکر و با احساس نیاز برای تغییر در ساختار نظام که استبداد و بیدادگری و ارتجاع، ساختار آن را پوسیده می‌ساخت، به فکر چاره‌گری افتاد. این کار او ریشه در دغدغه‌ها و آگاهی‌های جمعی دارد. چرا که او به این مسئله واقف بود که چنانچه تفکر فردی‌اش در جهت استعدادهای جمعی به کار گرفته شود، تشخیص بیشتری در جهت آفرینش استعدادهای اجتماعی پیدا می‌شود. تفکر جمعی باعث نشاط و تلطیف روح او شده در او احساس رضایتمندی و خشنودی ایجاد می‌کند. چنانچه این مسئله در جای جای سخنان و رفتار ستارخان به روشنی دیده می‌شود. ( ۱ )

پردازش به ساختار تفکر شخصی و فردی و صیقل دادن آن می‌تواند پشتوانه‌ای برای استقلال فردی باشد. آنچه در این راستا قابل ستایش است عدم قناعت و توقف او در راستای خلاقیت‌های فکری است، چرا که داشتن حرص و آزمندی در جهت توجه به فردیت باعث دوری او از توجه به عواطف جمعی و اجتماعی می‌شود.

از این دیدگاه انقلاب مشروطیت که بیدادگری‌های آن را می‌توان در طول تاریخ معاصر بی نظیر دانست، در تمام گرایش‌های خود در واقعیت بین فردگرایی و ویرانگر و جمع گرایی عاطفی - دلسوزانه - اما در عین حال صمیمانه ساده‌گرایانه - در جدال و کشمکش بوده است. این گرایش‌ها در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و مذهبی وجود داشته که تفکرات فردی و جمعی در درون هر کدام از آن گرایش‌ها ویژگی‌های خاص خود را نمایان می‌ساخت. به عنوان مثال در زمینه گرایش‌های اجتماعی‌اشخاصی مانند میرزا ملک خان به مالکیت خصوصی اعتقاد داشته، در زمینه فرهنگی کار روشنفکران فرهنگی قابل ستایش است، کار روشنفکرانی همچون حاج زین العابدین مراغه‌ای، میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل، بخصوص

استیلاگرانه و موزیانه فردی بوده است، سرگذشت فاجعه آمیز سردار مشروطیت حاصل خیانت تفکر انحصاری و استبدادی و قدرت طلبی‌های شخصی است، و بدینسان « تلخ است پایان قصه مردی که سنایشگر روشنایی بود و با گامهای محکمش زمین سنگلاخی شب را می‌کوبید تا راهی به دروازه صبح باز کند و نقبی به سوی نور بزند و در دل شب ناپدید گردد. قصه نیکمردی که خدمتگزار باغ آتش مقدس بود و در سردستان تیره کینه توزی‌ها و حيله‌اندوزیها از پای در آمد . . . قصه شیرمردی که با آتش و خون حماسه می‌ساخت و در گرداب فاجعه دردناکی گرفتار آمد و قصه آن مرد زندگینامه قهرمان ماست. غمنامه ستارخان کرد. » (۴)

مشکین شهر / مرداد ۱۳۸۱

پاورقی:

۱ و ۲ و ۳ و ۴) دو مبارز جنبش مشروطه، رحیم رئیس نیا و

عبدالحسین ناهید

منبع: سایت ایشیق

تکرار « تراژدی قدرت می‌گویم، شاهد جریان‌های بعد از انقلاب مشروطیت در تدوین قانون و تغییر ساختار نظام ناقص و ابتر و بی هویت بود. ( جنبش‌هایی همچون نهضت جنگل، جنبش آزادیستان خیابانی و . . . ) به دلیل تسخیر و تداوم روح استیلاگرانه، مردم نیز به تولید انرژی و نیرو برای تغییر ساختار نظام فکر می‌کنند. چرا که تحمیل یک‌اندیشه، یایک عملکرد همیشه با نوعی واکنش تلافی جویانه مردم همراه بوده است. البته این امر به منزله آن نیست که مردم به انتقامجویی برخاسته‌اند. آنها نیروهای خود را صرف انتقامجویی نکرده‌اند بلکه کوشیده‌اند جانشینی برای اینگونه تحمیل‌های فکری و عملی آنهاشکار نمایند. این جانشین سازی همیشه در بستر زمان با او بوده و دریک چشم بهم زدن ظهور نکرده است. تکرارها : انرژی، تحلیل انرژی. حرکت، واپس زدن‌های متمادی. تجدد، ارتجاع بیش از پیش. چنین است سرنوشت ملتی که در طول تاریخ نیرویش را در جهت تمایلات فردگرایانه به تحلیل برده است.

انقلاب مشروطیت تقابل تفکر عاطفی جمعی با تفکر

## نقش زنان در انقلاب مشروطیت فائزه توکلی

از جمله زنانی که در بالابردن سطح آگاهی و شعور زنان در دوره مشروطه نقش داشت، بی‌بی‌خانم استرآبادی بود. پدرش کربلایی باقرخان نام داشت که قوللر آقاسی فتحعلی‌شاه بود. بی‌بی‌خانم در محیط اندرونی ناصرالدین‌شاه قاجار پرورش یافت و به فرمان همین شاه قاجار، همراه دختران دیگر دربار به آموختن علم پرداخت. حاصل زندگی خانوادگی بی‌بی‌خانم پس از ازدواج با موسی‌خان وزیری، معروف به پیمبر، هفت فرزند بود که پس از گرفتن یک خدمتکار زن به نام بانو برای امور خانه، با خیانت همسرش مواجه و دچار مشکلات زناشویی شد؛ تا جایی که برای مدتی خانه و کاشانه را ترک کرد.

ولی پس از چندی به ناچار با شوهر از در آشتی درآمد که از استحکام چندان بر خوردار نبود؛ زیرا موسی‌خان چندی بعد از همسر دیگر خود صاحب دختری به نام مریم شد. از این‌رو،

جنبش مشروطیت ایران، سیمای جامعه ایرانی را دگرگون کرد. نهضت بیداری زنان و حضور فعال زنان با همکاری مردان مترقی و متدین ایرانی مانند سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی و ملک‌المکلمین، عارف قزوینی، صوراسرافیل و میرزاده عشقی و دهخدا و ملک‌الشعراى بهار، رشد و شکوفایی خود را آغاز و بنیادهای نوینی را در جامعه ایران استوار کرد.

جنبش مشروطه ایران، جنبش ضداستبدادی و نوحواهی علیه سنت‌گرایی بود. در این جنبش، زنان همدوش و همراه مردان بودند. نقش زنان ایرانی در تحولات اجتماعی، مبارزات و شورش‌ها، به‌عنوان نیمی از پیکره اجتماع، همواره نمود بارزی در تاریخ معاصر کشورمان داشته است. در ذیل شرح‌حال برخی از زنان پیشرو در دوران مشروطه می‌آید.

بی‌بی‌خانم استرآبادی

رشد و آگاهی و تربیت آنان، در ۱۳۲۴ هجری قمری، نخستین مدرسه دخترانه تهران را با نام دبستان دوشیزگان تأسیس کرد. تاج‌السلطنه از زنانی که با افکار نوین اجتماعی، تاریخ فرانسه، اهمیت تدوین قوانین مدنی و تعلیم‌وتربیت و چهره‌های سیاسی آن زمان مانند بیسمارک آشنا شد و زمینه آگاهی او نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی ارتقا یافت، تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین‌شاه بود. بر اثر تحولی فکری که در او ایجاد شد، خاطراتی را از وضعیت اجتماعی زنان آن دوران به تحریر درآورد که در آن، زنان را به گرفتن حقوق خود تشویق می‌کرد و حقوق زنان را تربیت اطفال، کمک‌کردن به مردها مانند زنان اروپایی، پاکی و عفت، وطن‌دوستی، طرد تنبلی و خانه‌شینی و... می‌دانست. او فرهنگ مردسالاری را به باد انتقاد می‌گیرد و از اینکه زنان ایرانی در کنج خانه، گوشه عزلت اختیار کرده و تمام ساعات عمر مشغول کسب اخلاق بد هستند، ابراز ناخشنودی و نارضایتی می‌کند. جهل و خرافه‌پرستی و بی‌سوادی زنان را مطرود می‌داند. او به ریشه‌یابی مشکلات زنان می‌پردازد و عواملی را که منجر به فساد و فحشای زنان می‌شود، برمی‌شمارد و تعدد زوجات در مردان را به‌ویژه در پدر خود، ناصرالدین‌شاه، به همین دلیل، سلطانی فوق‌العاده بدبخت می‌داند که هیچ‌گاه نمی‌توانسته میل یا علاقه خود را به‌موقع به زن یا اولاد خود بروز دهد. همچنین او در خاطرات خود، نگاهی دقیق و نقادانه به نحوه سلطنت و ملکداری ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه و اوضاع دربار آنان دارد؛ تا آنجا که مظفرالدین‌شاه را فردی ضعیف، نادان و عشرت‌طلب می‌داند و فسادهای اخلاقی او و درباریان، نقش رجال سیاسی و سرنوشت‌ساز مملکت مانند امین‌السلطان و سیدجمال‌الدین اسدآبادی و ظلم و ستم خانواده آقابالاخان در طالش را تشریح و توصیف می‌کند. به‌این‌ترتیب، تاج‌السلطنه با نقد بی‌پروایانه تاریخ خاندان خود، به انتقاد از آنان می‌پردازد. تاج‌السلطنه در خاطرات خود به قراردادهایی که نتیجه‌ای جز پریشان‌حالی و فقر برای ملت ایران دربر نداشته، بی‌اعتنا نبوده و به واگذاری نفت مناطق بختیاری به انگلیسی‌ها واکنش نشان داده و به دیده انتقادی به آن نگریسته است. تاج‌السلطنه از زنان درباری پیشرویی بود که با بصیرت از اوضاع اجتماعی

بی‌بی‌خانم که اینک تجربه تلخ هووداری را تجربه کرده بود، راه جدایی آشتی‌ناپذیری را با موسی‌خان پیش گرفت. بی‌بی‌خانم در یک میهمانی زنانه، کتاب زن‌ستیز «تأدیبالنسون» تألیف خانم میرزا احتشام‌الدوله را دید. بنا بر درخواست بسیاری از زنان هم‌عصر خود، درصدد پاسخ‌گویی به آن درآمد. به همین منظور، کتاب «معایبالرجال» را در ۳۱۳ هجری قمری به نام ناصرالدین‌شاه نوشته و به او تقدیم کرد و کتاب را در چهار مجلس: اطوار شراب‌خواری، کردار اهل قلم، چرس و بنگ و وافور و اسرار، عباقر و الواط، در رد تأدیبالنسون به رشته تحریر درآورد. بی‌بی‌خانم در این کتاب عنوان می‌کند که هیچ مردی از زنی بالاتر نیست و هیچ زنی نیز از مردی پایین‌تر نیست. به همین جهت، او از کتاب تأدیبالنسون که جهت فکری نویسنده را که رستگاری زن را در گرو اطاعت محض از شوهر می‌داند و تعدد زوجات مرد را ناشی از عدم تمکین و اطاعت محض از مردان قلمداد می‌کند، انتقاد می‌کند و می‌نویسد مؤلف از تحریر آن صرفاً قصد داشته که زنان را مطابق خواسته‌ها و معیار مردان تربیت کند. از این‌رو، آن را نه تنها وسیله تربیت زنان نمی‌داند، بلکه ابزاری برای ستمکاری مردان برمی‌شمارد.

بی‌بی‌خانم به دلیل برخورداری از سطح خوب آگاهی‌های اجتماعی، مطالبی راجع به صیغه، تعدد زوجات، بسیاری از عادات زشت و دل‌مشغولی‌های ناشایست مردان را بیان می‌کند و این مسائل را زمینه‌ساز مشکلات و بحران در نهاد خانواده ایرانی می‌داند.

از کتاب معایبالرجال چند نسخه خطی باقی است؛ یکی به خط خود بی‌بی‌خانم که دخترش مولود وزیری آن را به کتابخانه مجلس شورای ملی سپرد. در بهار ۱۳۷۱ هجری شمسی / ۱۹۹۲ میلادی، کانون پژوهش تاریخ زنان ایران و شرکت جهان کتاب، این اثر و کتاب تأدیبالنسون را تحت عنوان «رویارویی زن و مرد در عصر قاجار: تأدیبالنسون و معایبالرجال» در شیکاگو در سلسله انتشارات نگرش و نگارش زن به چاپ رساندند. بی‌بی‌خانم از آنجایی که معتقد بود پسر و دختر باید یکسان آموزش ببینند و کسب معرفت کنند، در این راه خاموش ننشست. او برای رفع ظلم از زنان و

عبداللهخان را نزد حسن آشتیانی که مخالف قرارداد رژی بود می‌فرستد و از وی می‌خواهد با جلوی چشم مردم قلیان بکشد یا از ایران برود. میرزا حسن راه دوم را در پیش می‌گیرد و مردم نیز از زن و مرد و کوچک و بزرگ در اطراف خانه او جمع می‌شوند. در مدت کوتاهی دکان‌ها بسته و تعطیل عمومی می‌شود. مردم می‌گویند اگر باید حرکت کنید ما هم تهران را خالی می‌کنیم. زنان در این حرکت اجتماعی حضور فعالی از خود نشان می‌دهند. پس از اعتراضات مردمی عده‌ای جلوی کاخ نایب‌السلطنه کامران‌میرزا کشته می‌شوند.

پس از آن گروهی از زنان برجسته حرمسرا و خدمتکاران شاه تمام قلیان‌های بلوری و چینی و گلی را می‌شکنند و پس از شایعه اعلان حکم جهاد علما صدای زنان بلند می‌شود که «امروز اگر مردان ما مانند زنان در خانه بنشینند، ما زنان جامه مردان پوشیم و حق خود را از دست نمی‌دهیم، ما اجرای حکم خدا را می‌خواهیم». زنان چه در خانه‌ها و چه در گذرگاه‌های عمومی همه را از مصرف دخانیات منع می‌کنند. انیس‌الدوله نیز در دربار هنگامی که شاه قلیان می‌خواهد، پاسخ می‌دهد: «قلیان کشیدن حرام است. شاه می‌گوید چه کسی آن را حرام کرده است؟ پاسخ می‌دهد همان کسی که مرا به تو حلال کرده است» و به این ترتیب شاه را برای لغو قرارداد رژی تحت تأثیر قرار داد. همچنین این زن سوگلی در مجموع نفوذی فوق‌العاده بر شخص شاه داشت و در واقع شاه از وی حساب می‌برد و در برخی امور با او مشورت می‌کرد. نفوذ و اقتدار وی در دربار به حدی روشن و آشکار بود که دولتمردان خارجی نیز به نوعی برای پیشبرد مقاصد خود به او توجه داشتند. وی اولین زن در دربار قاجار بود که از طرف پادشاهان اروپایی و دولت عثمانی به دریافت نشان نائل شد. نشان حمایل آفتاب از آن جمله بود.

انیس‌الدوله در مسائل روز حکومتی از جمله عزل و نصب‌ها نیز نقش ایفا می‌کرد. چنان که در عزل سپهسالار نقش داشت. بنا بر برخی گزارش‌ها انیس‌الدوله گاه از نفوذ خود بر شاه به‌نفع رعیت نیز سود می‌برد، چنان که پیشنهاد ابقای رکن‌الدوله به حکومت شیراز را که در جهت نفع و صلاح رعیت بود، انیس‌الدوله می‌دهد. انیس‌الدوله در سال ۱۳۱۴ هجری قمری درگذشت، اما شرکت و نفوذ وی در جریان

دوران خود در جهت روشنگری زنان و حقوقشان گام‌های مهمی برداشت.

ربابه صالحی‌برغانی

ربابه‌خانم، دختر ملا محمدصالح برغانی و آمنه‌خانم قزوینی است، او خواهر طاهره قره‌العین است. خاندان او از روحانیون صاحب‌نامی بودند که بسیاری از زنان و مردان آن از علما و فضلاء برجسته محسوب می‌شدند. ربابه از زنان عالم، فاضل، محدث، مجتهد، خطیب و واعظ در عصر قاجار بود. ربابه از جمله زنانی بود که در سخنرانی‌ها و مجالس از مظالم دربار و امرا به‌ویژه شخص ناصرالدین‌شاه قاجار انتقاد می‌کرد و شاه قاجار به‌هیچ‌وجه به او معترض نمی‌شد. او به جهت تسلط بر احادیث کتب اربعه و آرای علمای گذشته و هم‌عصر به استنباط احکام شرعی و موضوعات علمی می‌پرداخت و در مسائل فقهی و علمی فتوا می‌داد و با علما مباحثه و مجادله می‌کرد.

ربابه از زنان خیری نیز بود که به فقرا و درماندگان پناه می‌داد. ربابه در زمینه نظم، دیوان شعری دارد به عربی و فارسی که قسمتی از اشعار عربی او در شرح مناقب خاندان عصمت و طهارت و امام حسین علیه‌السلام است و آثار نثر او عبارت‌اند از: رساله‌ای در عرفان، کتاب زکات، کتب ارث، کتاب امامت.

ربابه صالحی در سال ۱۳۲۲ هجری قمری درگذشت اما روشنگری‌های او در انتقاد از نظام شاهی یکی از زمینه‌سازهای انقلاب مشروطه بود.

انیس‌الدوله

قدرتمندترین و صاحب‌نفوذترین زن در دربار ناصرالدین‌شاه که با ورود به دربار و ترقی در آنجا، به انیس‌الدوله ملقب شد. انیس‌الدوله در واقعه رژی که یکی از زمینه‌های خیزش مشروطه‌خواهی بود و در روند جنبش مشروطه تأثیر شایانی داشت، نقش بسزایی ایفا کرد. در ۱۳۰۹ هجری قمری کمپانی رژی انحصار امتیاز دخانیات را از ناصرالدین‌شاه قاجار گرفت. مردم و روحانیون بزرگ به این قرارداد اعتراض می‌کنند. با انتشار فتوای آیت‌الله میرزای شیرازی مبنی بر تحریم تنباکو و توتون، شاه در واکنش به این فتوا، والی تهران

کمیونان در اوایل نیمه دوم ربیع‌الثانی در تبریز صورت گرفت، شرکت داشت. روزنامه ناصری که در تبریز انتشار می‌یافت، گزارشی از شورش مذکور که منجر به کشته‌شدن عده‌ای و ویرانی خانه‌های نظام‌العلماء و علاءالملک و ثقه‌الدوله شده، در شماره مورخ ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ خود درج کرده است.

زینب‌پاشا، از پیشتازان زن مبارز در آستانه جنبش مشروطه با چهره یک زن شجاع و حق‌طلب و عدالت‌خواه در ادبیات شفاهی راه یافته و هنوز هم نام وی ورد زبان مردم آذربایجان است. مزین‌السلطنه

مریم عمید ملقب به مزین‌السلطنه از زنان روشنفکر و آگاه عصر قاجار و از زنان روزنامه‌نگار که دومین نشریه زنان ایران «روزنامه شکوفه» را در سال ۱۳۳۲ منتشر کرد. او دختر میر سیدرضی رئیس‌الاطبا پزشک مخصوص ناصرالدین شاه قاجار و خواهر میرزا سیدابراهیم‌خان عمیدالسلطنه بود. تحصیلات اولیه خود را در خانه نزد پدر فراگرفت و پس از آن نیز به فراگیری علم و دانش پرداخت. زبان فرانسه و فن عکاسی را نیز آموخت. مزین‌السلطنه در دوران مشروطه با تأسیس روزنامه شکوفه وارد عرصه فعالیت مطبوعاتی شد و در جهت آگاه‌کردن جامعه زنان و مبارزه با خرافات و جهل نقش مهمی ایفا کرد و روزنامه شکوفه به تدریج طرفداران زیادی پیدا کرد. خانم مزین‌السلطنه در انگیزه‌اش از چاپ روزنامه می‌نویسد:

«این کمینه خادمه وطن... بر خود لازم دانسته به قدر قوه عاقله ناقصه خود و به اندازه سهم خویش با قلبی شکسته و نطقی آشفته که سال‌ها در این خیال بودم که چه جهت دارد از ما زن‌های ایرانی هیچ آثار علم و دانشی به عرصه بروز و ظهور نرسد. هیچ‌وقت خیال نمی‌کردم که باید علم و دانش منحصر به صنف رجال باشد و زن‌ها از این فیض عظمی محروم و مأیوس باشند. در صورتی که قادر متعال هر دو را

یکسان آفریده... بدین جهت بر خود مخیر نمودم که روزنامه موسوم به شکوفه که هنوز طفل نابالغ و چون شکوفه نشکفته است، طبع نمایم، که در این جریده به‌غیر از اخلاق و آداب تربیت اطفال و حفظ‌الصحه مختصری برای آنها ترک عادات بد از قبیل دروغ‌گویی، کینه‌جویی، پست‌فطرتی، بی‌ناموسی، لامذهبی... و سایر اعمال و افعال قبیحه و آداب‌خانداری و تشویق به بعضی هنرهای لازمه و ذکر احوالات بعضی از زنان جلیله عقیقه صالحه روزگار و بعضی نصایح چیز دیگر نوشته نشود.»

واقعۀ رژی زمینه جنبش مشروطه‌خواهی را فراهم آورد و نام خود را در تاریخ معاصر بر جای گذاشت. افتخارالسلطنه

از دختران ناصرالدین‌شاه قاجار بود که پیش از جنگ بین‌المللی اول، انجمن «حریت زنان» را در سال ۱۳۲۵ هجری قمری به کوشش بانوانی آزاد مانند میرزا باجی‌خانم، نواب سهیلی، صدیقه دولت‌آبادی، منیرخانم، گلین‌خانم و تاج‌السلطنه، خواهرش تشکیل داد. نظام‌نامه مجلس براساس نیازهای اولیه زنان در تعلیم و تربیت آنان و بالابردن سطح آگاهی آنان بود. همچنین از اهداف مهم این انجمن ایجاد زمینه‌هایی برای رامیافتن زنان به جامعه و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی هم‌دوش مردان بود تا از این طریق به کسب حقوق اجتماعی و سیاسی خود برسند.

از ویژگی‌های این انجمن شرکت اعضا به شکل خانوادگی، شوهران و زنان و دختران، در جلسات انجمن بود. اداره جلسات و ایراد سخنرانی از سوی بانوان انجام می‌شد. جلسات انجمن ماهی دو بار در محلی خارج از شهر تهران (فیشرآباد) به‌دلیل راحتی رفت‌وآمد انجام می‌گرفت. این جلسات مخفی بود و به‌محض اطلاع مخالفان از این جلسات، حملاتی به انجمن می‌شد، اما به‌دلیل مقاومت این انجمن، اعمال مخالفان به جایی نرسید.

افتخارالسلطنه یکی از فعالان این انجمن و زنی شاعر بود که از فکری روشن، اندیشه‌ای آزاد، احساساتی سرشار از ذوق و سلیقه‌ای هنرمندانه بهره‌مند بود.

زینب‌پاشا

سردسته زنان مبارز و انقلابی تبریزی که در جریان نهضت تحریم تنباکو با عده‌ای از زنان چادری مسلح که گوشه‌های چادر نماز خود را به کمر بسته بودند، می‌آیند و در برابر مأموران حکومتی که به زور و ارباب مغازه‌ها را باز کرده بودند، می‌ایستند و بازاریان را به بستن دکان‌هایشان تشویق می‌کنند. ۱۳۰۹ هجری قمری) در جریان قحطی مصنوعی تبریز، زینب‌پاشا با جمعی از زنان مبارز درهای انبارهای گندم مالکان را باز می‌کرد و در اختیار نیازمندان می‌گذاشت. زینب‌پاشا و دسته زنان همراه او همواره با کانون‌های فساد مبارزه می‌کردند و پس از آن نیز از نظرها پنهان می‌شدند و کسی به هویت آنان پی نمی‌برد.

زینب‌پاشا که به بی‌بی‌شاه‌زینب، زینب‌باجی و ده‌باشی‌زینب نیز معروف بوده، در تاراج خانه نظام‌العلماء دبیا نیز که به علت

تزاری بود و فعالیت انجمن نیز به عرصه ملی محدود نماند. آنان از جمله پیشگامانی بودند که با ارسال تلگراف‌هایی به سازمان‌ها و مجامع مدافع حقوق زنان، تقاضای حمایت و یاری از آنان کردند.

بانو آغابگم و همکارانش در انجمن به منظور اعتراض به نقش حق حاکمیت ملی تظاهراتی برپا کردند که در این تظاهرات هزاران زن کفن‌پوش شرکت کردند. در سخنرانی‌های پرشوری که در دفاع از استقلال وطن، حق حاکمیت ملی و رد اولتیماتوم روسیه ایران کردند، طوماری نیز علیه دخالت بیگانگان از جانب زنان ایران تهیه کردند و به مجلس شورای ملی فرستادند.

آغا شاهزاده امین همسر ملک‌المتکلمین و دختر حاج میرزا حسن رشیدیه نیز از جمله فعالان زن در این انجمن بودند.

لازم به ذکر است که شکل‌های سیاسی- اجتماعی زنان در این دوران با مدیریت بانوان پرشور و آگاه ایجاد شده بود که از جمله می‌توان به اتحادیه غیبی نسوان اشاره کرد که تنها شکل سیاسی زنان و یکی از مهم‌ترین آنها بود و همان‌طور که از نامش پیداست، هویت زنان در این شکل سیاسی مخفی بود.

همچنین از دیگر تشکلهای می‌توان به انجمن آزادی زنان و انجمن مخدرات وطن و انجمن همت خواتین و جمعیت پیک سعادت نسوان و جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران و مجمع انقلاب زنان اشاره کرد.

نتیجه

جنبش مشروطیت ایران، سیمای جامعه ایرانی را دگرگون کرد. نهضت بیداری زنان و حضور فعال زنان که در بالا به برخی از آنان اشاره شد، با همکاری مردان مترقی و متدین ایرانی مانند سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی و ملک‌المتکلمین، عارف قزوینی، صوراسرافیل و میرزاده عشقی و دهخدا و ملک‌الشعرا بهار، رشد و شکوفایی خود را آغاز و بنیادهای نوینی را در جامعه ایران استوار کرد. پادشان گرامی باد.

#### فائزه توکلی

کارشناس ارشد تحقیقات پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی عضو هیئت‌مدیره انجمن زنان پژوهشگر تاریخ

مزین‌السلطنه از سال سوم به بعد انتشار روزنامه به مسائل سیاسی مانند استقلال ملی، مبارزه با نفوذ بیگانگان و تحریم کالاهای وارداتی و ترویج منسوجات وطنی و وظایف زنان در قبال آن نیز می‌پرداخت.

مزین‌السلطنه همچنین از جمله زنانی بود که اقدام به تأسیس مدرسه دخترانه در تهران به نام دارالعلم و صنایع مزینیه نیز کرد. مزین‌السلطنه در مجامع زنان همچون انجمن همت خوانین نیز شرکت می‌کرد. این انجمن که با حضور گروهی از مدیران مدارس دخترانه و فعالان حقوق زنان تشکیل شده بود ۱۳۳۳ هجری قمری، به ترویج و تبلیغ استفاده از اشیاء و منسوجات وطنی و تشویق به فراگیری هنرهای دستی نزد خانم‌ها می‌پرداخت و در شرایط جهانی آن روزگار که کشور در آستانه جنگ جهانی اول قرار گرفته و تجارت جهانی نیز اختلال پیدا کرده بود، تنها فرصتی بود که صنایع داخلی گسترش یابد و این انجمن در خدمت تقویت صنایع داخلی توسط زنان آن دوران فعال شد.

مزین‌السلطنه در کارنامه فرهنگی خود به ترجمه چند کتاب از فرانسه به فارسی نیز همت گماشت و در سال ۱۳۳۷ هجری قمری در سمنان بر اثر سکت قلبی درگذشت. بانو آغابگم

یکی از مؤسسان انجمن مخدرات وطن که در سال ۱۳۲۹ هجری قمری / ۱۲۸۵ هجری شمسی است. انجمن مخدرات وطن از تشکلهای سیاسی زنان و بسیار قوی و تأثیرگذار بر مسائل داخلی و خارجی کشور در دوران مشروطه بود. بانو آغابگم که ریاست انجمن را عهده‌دار بود، اهداف انجمن را

این‌گونه گفته: دفاع از استقلال میهن، مخالفت با استقراض از بیگانگان، جلوگیری از خرید کالاهای خارجی و تحریم آنان و تبلیغ

برای کالاهای داخلی... در ضمن این انجمن نیم‌نگاهی به مشارکت

زنان در امور سیاسی کشور داشت.

از اقدامات بانو آغابگم احداث یک باب مدرسه شبانه‌روزی برای دختران متعلق به طبقات فقیر و بی‌بضاعت بود. از کارهای مهم انجمن مخدرات وطن مخالفت سرسختانه با اولتیماتوم روسیه



### یاس لی ساوالان!

آی آلان اوستونو غم چیسگینی هر یانی دومان  
 آی یاغان باشینا غم لر اودو یاس لی ساوالان!  
 سوندوره بیلمدی گوز باشین اورکن اودوی  
 چاغیریم قوی کومک انتسین سنه اوز اولادینی  
 افتخاریله بوگون ذکر انده رم پاک آدینی  
 مرد اوغول لار بنجریب خلقینه شهرت قازانان!...  
 آی آلان اوستونو غم چیسگینی هر یانی دومان  
 آی یاغان باشینا غم لر اودو یاس لی ساوالان  
 بابکین گنتدیسسه بوش قالمادی أمما قوجاغین  
 دولودور مین انله اوغلانلار لا هر بوجاغین  
 نه قدر بیل اسه طوفان قویا سونمز اوجاغین  
 آی بلالر سپری خلقه یامان گونده آمان  
 آی آلان اوستونو غم چیسگینی هر یانی دومان  
 آی یاغان باشینا غم لر اودو یاس لی ساوالان  
 چنلی بنلده "دلی لر" قوی یننه قورسون بساطی  
 "قوچ کور اوغلو" یننه جولانه گنیر سین قیر آتی  
 هنج زمان اصلین ایتمیز او کی دوزگونو ذاتی  
 آند اولادینا آی گوزلری آغلار یاشی قان  
 آی آلان اوستونو غم چیسگینی هر یانی دومان  
 آی یاغان باشینا غم لر اودو یاس لی ساوالان!  
 بابالاردان بیزه قالمیش بو مثل هاممی بیلیر  
 سو گلن آرخا دنیبیلر یننه بیر گون سو گلر  
 فلکین داش اوره بین داش اوخو آخیردا ده لر  
 "بارز" اوغلوندا ینتر سنودیگی یاره او زمان  
 آی آلان اوستونو غم چیسگینی هر یانی دومان...  
 آی یاغان باشینا غم لر اودو یاس لی ساوالان!!

عباس بارز

هر زمان کی باخیرام باشینا قار وار گورورم  
 اوغلو اولموش آنا تک گوزلرین آغلار گورورم  
 هر طرفدن چکیلیب سینه وه داغلار گورورم  
 آی آلان اوستونو غم چیسگینی هر یانی دومان  
 آی یاغان باشینا غم لر اودو یاس لی ساوالان!  
 ماهنیلار قوشماغا باشلار یننه ده قوشماچی لار  
 یاز کلیب گنتدی یننه گولمه دین اوچ آیدا بیر آن  
 آی آلان اوستونو غم چیسگینی هر یانی دومان  
 آی یاغان باشینا غم لر اودو یاس لی ساوالان!  
 قرن لر کئجدی سنین گولمه دی بیر لحظه اوزون  
 قان لی یاش توکدو سارالمیش اوزونه یاش لی گوزون  
 غصه دن دوندو قار انلیق گنجه اولدو گونوزون  
 نه سوران حالینی اولدو نه ده بیر یاده سالان  
 آی آلان اوستونو غم چیسگینی هر یانی دومان  
 آی یاغان باشینا غم لر اودو یاس لی ساوالان!  
 آند ونریرم سنی او قانه بلنمیش داشیوا  
 گنجه گوندوز او گوزوندن توکولن قان یاشیوا  
 اوره بین دردینی بیلدیر او سهند قارداشیوا  
 سنی وارلیق سنی تانری سنی بو آه و فغان  
 آی آلان اوستونو غم چیسگینی هر یانی دومان  
 آی یاغان باشینا غم لر اودو یاس لی ساوالان  
 سالارام بادیمایا بیر لحظه او کئچمیشلرینی  
 توکولن سنگ جفا انیله او دور دیشلرینی  
 ایزلرم بیربیر او حیرت پارادان ایشلرینی  
 هامیدان من سنین احوالینا آرتیق نگران  
 آی آلان اوستونو غم چیسگینی هر یانی دومان  
 ساکت اول آغلاما قوی بیرجه چکیلسین بو دومان  
 گون چخیب ظولمتی بیر یوللوقا قوسون بورادان